

اعلامیه حزب حکمتیست بمناسبت روز جهانی زن

علیه فرودستی زن، علیه آپارتاید جنسی،
برای یک برابری سوسیالیستی!

بسوی ۸ مارس،

سوسیالیسم، پرچم رهائی زن!

سیاوش دانشور

صفحه ۴

”من دیگر در نسل کشی سهیم نخواهم بود“

خودسوزی افسر آمریکایی: افشای نقش آمریکا
در نسل کشی غزه

آذر ماجدی

صفحه ۶

کمونیست می پرسد

به استقبال ۸ مارس روز جهانی زن

با هاله طاهری

صفحه ۷

نیابتی های جمهوری اسلامی در کردستان عراق

همایون گدازگر

صفحه ۹

۸ مارس؛ نقدی بر سیاستهای پوپولیستی و هویت تراشی!

امیر عسگری

صفحه ۱۰

اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیر عسگری و آرش کلهر



۲۹ فوریه قتل عام مردم غزه

در این روز هنگامیکه مردم برای گرفتن غذا اطراف کامیونهای امداد جمع شده بودند، در نتیجه تیراندازی نیروهای ارتش جنایتکار اسرائیل بر روی مردم ۱۱۲ نفر کشته و بیش از ۷۶۰ نفر زخمی اعلام شده است.

شرم بر جهانی که بر قتل عام و نسل کشی مردم ستمدیده فلسطین چشم می بندد!

صفحه ۲

۷۴۰
مصلحتی
کمونیست

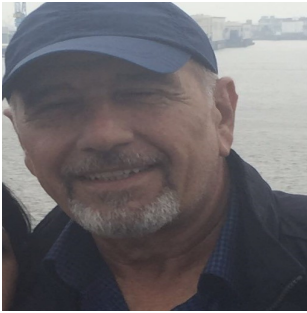
حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker Communist Party of Iran
Hekmatist

۱۱ اسفند ۱۴۰۲ - ۱ مارس ۲۰۲۴

پایان انتخابات در جمهوری
اسلامی، آغاز تشدید بحرانها
و تقابلها!

اینکه در جمهوری اسلامی انتخابات بی معنی و خالی از هر نوع نرم انتخابی حتی در جوامع بورژوازی است جای تردید نیست و صحبتی در میان نیست. مسئله اکثریت مردم عظیم مخالف جمهوری اسلامی اکنون در شرایط فعلی وبعد از برآمد توده ای سال گذشته، دیگر نه تنها مسئله انتخابات، که کلیت رژیم اسلامی با انتخابات و همه قوانین، سیاست و اقتصاد و فرهنگش است که مردم با آن سر ستیز دارند و نمی خواهند و خواهان تغییرند. مردم به رژیم فقر و فلاکت، به رژیم سرکوب و اعدام، به رژیم ضد زن و ضد شادی رای نمی دهند. علنی اینها را گفته اند. دوره توهم و انتخاب بد و بدتر در جمهوری اسلامی به پایان رسیده است. این انتخابات بنا به آمار و همه پرسی و حتی نگرانی سران رژیم از عدم شرکت مردم، بی رونق ترین و کم توجه ترین انتخابات در حیات جمهوری اسلامی از جانب مردمی است که تا کنون هیچ خیری از این رژیم ندیده اند، چه بسا زروشان برسد همین امروز نه تنها انتخابات که همه چیز را بر سرشان خراب می کنند. بعد از انتخابات ریاست جمهوری در ۱۴۰۰ که یکی از قاتلین رژیم، رئیسی از صندوق بیرون آمد، این دومین انتخابات در این فاصله زمانی است که عدم شرکت اکثریت عظیمی از مردم دست رد به سینه جمهوری اسلامی قاطعانه کوبیدند. رای مردم به رژیم دزد و فاسد و قاتل فرزندان مردم سرتنگونی است نه شرکت در انتخابات. این صحنه واقعی سیاسی در ایران است. تنها هدف جمهوری اسلامی در

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



در این شرایط با توجه به تشدید بحران همه جانبه اقتصادی و سیاسی و زندگی چند برابر زیر خط فقر، گسترش نارضایتی، اعتراض و اعتصاب کارگران در محیط های تولیدی و صنایع ، اعتراض روتین بازنشستگان روبه افزایش است و جمهوری اسلامی و دستگاه های سرکوب جمهوری اسلامی درمهار این همه اعتراض و اعتصابات نا توان خواهند بود.

راه خروج از این بن بست، گسترش و تداوم اعتراضات و اعتصابات کارگری، اعتراض بازنشستگان ، زنان و جوانان، همبستگی و اتحاد جنبش های اجتماعی برای تضعیف هر چه بیشتر جمهوری اسلامی و تغییر تناسب قوا به نفع مردم و به ضرر جمهوری اسلامی است. این اعتراض ها علیه نظام سرمایه داری اسلامی همه قلمروهای اقتصادی ، سیاسی ، ئیدئولوژیک و فرهنگی رادر بر میگیرد و خواهان تغییر و دگرگونی در شرایط اقتصادی و سیاسی و فرهنگی در ایران است. عناصر این تغییر، قبل از هر نیروی اجتماعی، طبقه کارگر و سایر اقشار زحمتکش جامعه و جنبش آزادی زن به عنوان یکی از نیروهای فعاله و حاضر در صحنه علیه ستم کشی بر زنان و پایان دادن به همه تبعیضات و نابرابری های موجود در جامعه است. واقعیت امر این است که علاوه بر سرکوب خشن، وضعیت جمهوری اسلامی از هر لحاظ بحرانی تر و شکننده تر از گذشته است. مبارزه علیه فئودالیسم و ستمی زن ستیزی و حجاب به عنوان رکن اصلی آپارتاید جنسی دو رکن اصلی مبارزه و متشکل شدن حول آن برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی است. در این مسیر همه عوامل داخلی به جز سرکوب علیه آن عمل می کنند. با این حال جمهوری اسلامی را باید انداخت. این کار مردم انقلابی، اکثریت عظیمی از مردم است که از رژیم متنفرند، بیزارند و رای به سرنگونی آن داده اند. در آستانه ۸ مارس روز جهانی زن، علیه جمهوری اسلامی، علیه نظام سرمایه داری، برای برابری و سوسیالیسم.

سردبیر



پایان انتخابات در جمهوری اسلامی، آغاز تشدید بحرانها و تقابلها!

این انتخابات به دنبال برآمد توده ای سال گذشته و در شرایطی که بحران های متعددی رژیم سرمایه داری اسلامی را محاصره کرده، قبل از هر چیز یکدست و بازهم یکدست کردن بخصوص مجلس اسلامی برای پیش برد سیاست های سرکوبگرانه رژیم و تقابل با مردم است. هیچ روزنه ای حتی برای مخالفین خودی حفظ نظام هم باقی نگذاشته اند. الان بر خلاف دوره های گذشته رقابت میان حامیان پروپاقرص دولت و خامنه ای و حفظ نظام برای اشغال صندلی هایی است که پول و ثروت برای حامیان آن به باری آورد و در حفظ رژیم اسلامی ذینفعند. وضع جمهوری اسلامی انقدر شکننده است و خیزش انقلابی مردم آنقدر شکننده تر کرده است، و آنقدر و بجرانزا است که دیگر کوچکترین مخالفت را حتی از درون نظام راهم بر نمی تابند. هدف یکدست کردن هسته سخت قدرت و ارگانهای تحت نظارت خامنه ای، سپاه و دوایر امنیتی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی و صف آرای برای مقابله با خیزش های بعدی است.

بعد از انتخابات تناقضات و بحرانها در جمهوری اسلامی عمیق تر خواهند شد. انتظارات مردم از رژیم کور شده است. در این شرایط فرصت تعرض مردم به نقش نیمه جان رژیم اسلامی میدان پیدا می کند. این انتخابات شاید آخرین فرجه برای حفظ خاخریزهای باقیمانده رژیم است که هیچکدام از آن در برآمد انقلابی سال گذشته در امان نماندند. اکنون برای رژیم سرمایه داری اسلامی ایران حفظ این نظام فاسد و دزد و سرکوبگر به هر قیمتی اولویت است نه هیچ چیز دیگر. همه ابزار را در خدمت این هدف قرار داده اند. انتخابات مجلس و خیرگان نیز در خدمت این هدف قرار دارد. تلاش می کنند که با شرکت حداقلی از مردم که هنوز توهم دارند، یا عرق ملی دارند و مزدور و روحانی این رژیم هستند نمایش انتخاباتی راه بیندازند و این انتخابات را از سر بگذرانند. اما قدر مسلم آنچه صورت مسئله اصلی اکثریت مردم است و رژیم جمهوری اسلامی از آن خلاصی ندارد، نخاستن و تفرو بیزاری میلیونی از آن و روز شماری برای مرگ آن است. پایان انتخابات در جمهوری اسلامی، آغاز تشدید بحرانها و تقابلهای جدی تر است .

نه اوضاع اقتصادی، نه اوضاع سیاسی و نه فرهنگی جامعه به نفع جمهوری اسلامی عمل نمی کنند. همه این بحرانها روز به روز تشدید و نارضایتی و تنفراز جمهوری اسلامی دامنه بیشتری به خود می گیرد. نسل کشی دولت اسرائیل علیه مردم ستم دیده و بی دفاع فلسطین نه تنها دول غربی که جمهوری اسلامی را نیز بی آبروتر کرده است. مردم مبارز و انقلابی و منتفراز جمهوری اسلامی صورت مسئله و عملکرد و مواضع جمهوری اسلامی و اشک تماشای ریختن برای مردم ستم دیده فلسطین را قبول نمی کنند. جمهوری اسلامی جنگ در غزه را غنیمتی برای حاشیه ای کردن مبارزات مردم داخل علیه خود و استفاده ابزاری برای تشدید خفقان و سرکوب می داند که در پس آن به حاکمیت ننگین خود ادامه دهد.

با پشت سر گذاشتن انتخابات سوال اصلی این است که چگونه با این شرایط روبرو شد. هم خود سران رژیم و هم مردم می دانند که بعد از انتخابات هم چیزی تغییر نخواهد کرد و اوضاع بر همین پاشنه و چرخ اوضاع بد معیشتی و تشدید بحران و تورم خواهد چرخید و هیچگونه گشایشی در زندگی مردم ایجاد نخواهد شد. رژیم اسلامی همانند گذشته چاره ای جز سرکوب و اختناق و تداوم خشونت علیه مردم ، کارگران ، زنان و جوانان را ندارد.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

اعلامیه حزب حکمتیست بمناسبت روز جهانی زن

علیه فرودستی زن، علیه آپارتاید جنسی، برای یک برابری سوسیالیستی!



زنان در ایران در قامت بلندی بپاخاسته‌اند. زنان شورشی خواهان اصلاح حکومت ضد زن نیستند، نفی آنند. زنان در ایران علیه بنیادهای فرودستی و آپارتاید جنسی و رژیم اسلامی حافظ آن قدهلم کردند. نسل جدید، علیه ستم بر زن، بمشابه طوق حقارت عمومی طغیان کرده است. به آتش کشیدن حجاب اسلامی بعنوان پرچم حکومت آپارتاید جنسی، خصوصیت زنانه و ضد اسلامی، رادیکالیسم و برابری طلبی، مهمترین نقاط قدرت خیزش انقلابی علیه مهمترین سنگر اسلام سیاسی در خاورمیانه است. هدف فوری این جنبش سرنگونی انقلابی تمامیت جمهوری اسلامی است. الغای کلیه قوانین ضد زن و نظم آپارتاید شرط لازم آزادی زن از طوق بربریت اسلام و تعصبات جاهلانه دینی است، اما شرط کافی آزادی زن در هم کوبیدن بنیادهای نظم نابرابر سرمایه‌داری است که به ستم برحسب جنسیت و انواع تبعیض و تقسیمات دیگر نیازمند است و آنرا بازتولید میکند.

مرد در کلیه شئون اجتماعی مبارزه میکند و این مبنای نزدیکی و دوری ما با هر حرکت و جنبشی در باره مسئله زن و در خیزش انقلابی جاری است.

سیاست حزب حکمتیست و جنبش آزادی زن در ایران، تقویت روندهای سکولار و برابری طلب و سوسیالیستی و حمایت از مبارزه انقلابی زنان و مردان برای رهایی از سلطه اسلام سیاسی است. ما برای یک برابری سوسیالیستی مبارزه می‌کنیم. این پرچم را همه جا برافرازید!

زنده باد ۸ مارس!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۶ بهمن ۱۴۰۲ - ۱۵ فوریه ۲۰۲۴



۸ مارس ۱۳۵۷ تهران روز جهانی زن اعتراض
هزاران زن و مرد به حجاب اجباری

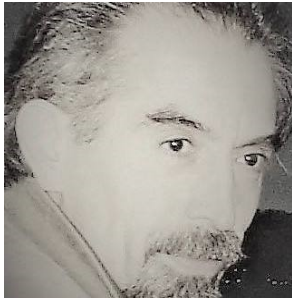
از آخرین برآمد انقلابی یعنی از شهریور ۱۴۰۱ تاکنون، جمهوری اسلامی جنایت‌های بزرگی علیه زنان و مردان انقلابی و حتی کودکان مرتکب شده است و هنوز بر تداوم اعدام و ترور پای میفشارد. اما جامعه گردن خم نکرده و با روحیه انقلابی مبارزه‌اش را در قلمروهای کلان گسترش میدهد. حجاب اسلامی، این سمبل فرودستی زن دوفاکتو ورافتاده است. دستگاه فاسد دین بی‌آبروتر از هر زمانی است. پایه‌های ایدئولوژیکی حاکمیت فروریخته اند. فقر و فلاکت اقتصادی بیداد میکند و سیاست تنها به زور تفنگ و سرکوب روز را به شب میرساند. هیچ راهی از درون برای تغییر مطلقاً وجود ندارد. اعتراض بیوقفه زنان و موج رو به رشد اعتصابات کارگری از جمله نقش تعیین کننده‌ای در شکست و تعمیق بحران لاعلاج رژیم اسلامی داشته‌اند. بپاخاستن زنانه اینبار تماماً به ریشه‌اش برگشت و چکامه‌اش را از سنت ۸ مارس، از جنبش جهانی برای آزادی و برابری زن و مرد گرفت. این جنبشی است که با خیزش انقلابی‌اش علیه نظم ضد زن، جهانی را به سمپاتی واداشته است.

زنان و مردان انقلابی، کارگران و مردم زحمتکش!

در روز زن قدرت‌تان را نشان دهید. در روز زن با ابتکارات مختلف جامعه را مملو از احترام به آزادی و برابری زن و مرد کنید. در این مناسبت علیه سمبلیهای ضد زن آگاهانه واکنش نشان دهید؛ حجاب اسلامی را آتش بزنیم، علیه هر قانون و موعظه ضد زن بایستیم. دیوارها و بزرگراه‌ها را با تصاویر عزیزان جانب‌باخته مژین کنیم. اجتماعات بمناسبت روز جهانی زن برگزار کنیم. بر شعارهای محوری برابری زن و مرد، الغای حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی، آزادی کلیه زندانیان سیاسی تاکید کنیم. بر جنایت‌های غیرقابل بخشش حکومت و محاکمه و مجازات جنایتکاران پای بفشاریم. در این روز با زنان مبارز کشورهای منطقه و جهان بویژه زنان در افغانستان همبستگی و همسرنوشتی‌مان را اعلام کنیم. لمرگ بر طالبان چه در کابل چه تهران! شعار مشترک جنبش آزادی زن در دو کشور است. پیروزی در ایران سرآغاز تحولات زیرورو کننده در خاورمیانه و انزوای تروریسم و سلطه صنعت دین اسلام خواهد بود. طالبان و دولت‌های اسلامی در منطقه از امواج انقلابی آزادیخواهانه و آنتی اسلامیستی نخواهند جست.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست برای آزادی و برابری بدون قید و شرط زن و

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!



وسطی را بخاطر می آورد، تنها بیانگر این واقعیت است که افکار و عقاید طبقه حاکم و نظام سرمایه‌داری تا سطح افکار و فرهنگ قرون وسطی سقوط کرده است. در دنیایی که انفجار اطلاعات آن را به دهکده‌ای جهانی؛ تبدیل کرده است، در هر گوشه این دهکده، بورژواها و ژنرال‌ها و مُشتی سیاستمدار نوکر و آخوند و سرعشیره و آدمکش حرفه‌ای خدائی میکنند. علم و

دانش و تکنولوژی و ثروت و دستاوردهای بشری، در دست بورژوازی به وسیله‌ای برای عقب راندن بشریت به عهد جهالت و رواج مردسالاری و خودمحموری و زن ستیزی و خشونت عریان علیه میلیاردها نفر در خدمت منافع اقلیت بسیار ناچیزی، یعنی طبقه بورژوازی، بدل شده است.

نه فقط ستمکشی زن و تبعیض براساس جنسیت، بلکه نفس وجود هر نوع ستم و تبعیضی در دنیای امروز، رابطه مستقیمی با منافع نظام سرمایه‌داری و طبقه حاکم دارد. از خانواده بعنوان یک نهاد اقتصادی تا قلمرو تولید و مناسبات اجتماعی و قوانین، موقعیت فرودست زن وسیله‌ای برای کسب سود است و منافع طبقه‌ای را پاسداری میکند. ستمکشی زن یک رکن انباشت سرمایه است. همین ضرورت بازتولید بقای تبعیض و نابرابری و نگرش ضد زن و خشونت علیه زنان را توضیح میدهد. زن ستیزی مسئله‌ای صرفاً فرهنگی و اخلاقی واپسگرا نیست، مسئله‌ای اقتصادی و اجتماعی است. به منافع سلسله مراتب نابرابری در جامعه در تمام سطوح خدمت میکند و دقیقاً به همین اعتبار افکار و آرا و نگرش ضد زن ضروری‌اند و توسط نقاره کشان فسیلی دستگاه مذهب و ایدئولوژی متحجر بازار و فرهنگ سازان؛ مرتجع بورژوا بازتولید میشوند.

در این دنیای تاریک است که ما کارگران و کمونیستها، ما زنان و مردان برابری طلب، ما انسانهای فهیم و آزاد اندیش، هنوز پرچم ۸ مارس را در دست داریم. آرزوی ما این نیست که تا جهان وجود دارد به خیابان بیائیم و از برابری زن و مرد دفاع کنیم! آرزوی ما اینست که دیگر جنگی برای ۸ مارس ضروری نباشد. تبعیض براساس جنسیت مانند هر جهالت و عقب‌ماندگی تاریخی دیگری ورافتاده باشد. ۸ مارس میراث و سنت کمونیسم کارگری است و بحق باید عزیز داشته شود. اما هدف این جنبش نفی فوری نابرابری و تبعیض و نفی شرایطی است که جامعه طبقاتی با تمام تضادها و تناقضات و مصائبش، زندگی بشر امروز و از جمله زنان را به جهنمی روی زمین تبدیل کرده است. ۸ مارس صرفاً یک یادواره و مراسم تکریم؛ از عقاید پیشرو و آرمانهای آزادخواهانه نیست، بلکه جبهه‌ای قدیمی در جنگ علیه تبعیض و تاجر و نابرابری است و باید مادام که ذره‌ای از تبعیض براساس جنسیت برجاست، پرچم آن برافراشته باشد.

آزادی زن و اسلام سیاسی

یک مسئله اساسی دیگر موقعیت زنان در کشورهای اسلام زده و مصافهای جنبش آزادی زن در این جوامع است. اینجا تفکیک مثلث ایران و کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا با کشورهای اروپایی و آمریکایی تا آنجا که به تعیین سیاستها و جایگاه جنبش آزادی زن برمیگردد بسیار حیاتی است. در اروپای غربی بعنوان مثال امر برابری حقوقی کمابیش مُحقق شده است و مسئله برابری اقتصادی در قلمروهای مختلف صورت مسئله سوسیالیستها است. در ایران و کشورهای

بسوی ۸ مارس،

سوسیالیسم، پرچم رهائی زن!

سیاوش دانشور

میزان حرمت و آزادی بشر در دنیای امروز رابطه مستقیمی با درجه رشد تکنیک و علم و ثروت اجتماعی ندارد. بنظر میرسد این رابطه معکوس است. حقوق انسانها عموماً و حقوق مردم کارگر و زحمتکش و زنان خصوصاً، در دهه دوم قرن بیست و یکم در قیاس با دهه های شصت و هفتاد میلادی قرن بیستم و حتی قبلتر، بسیار وخیم است. امر آزادی و برابری و حقوق جهانشمول انسانها که زمانی از ارزشهای معنوی بشریت پیشرو بود، امروز دور دست و چه بسا مُحال به نظر میرسد. عقبگردهایی که سرمایه و جنبشهای ارتجاعی و ایدئولوژیهای مُحط به بشریت تحمیل کرده اند، نه فقط آرمانخواهی و تحقق ایده‌های قدیمی را به حاشیه رانده است بلکه سطح توقع انسانها از خود و از جامعه را بشدت تنزل داده است. دنیای امروز در جنگ و نفرت قومی و مذهبی و نسل‌کشی و زن ستیزی و کارگرکشی غرق شده است.

زمانی میگفتند آزادی بشر در گرو پیشرفت جامعه، رشد صنعت و تکنیک و وجود شرایط مادی‌ای است که بتوان از حقوق و آزادی و رفاه برای انسانها صحبت کرد. یک مشاهده ساده نشان میدهد که دنیای قرن بیست و یکم در ثروت و تکنولوژی پیشرفته و دستاورد علمی و توان غول آسای انسانی برای پیشرفت غرق است. با اینحال انسانها در قرن بیست و یکم در قیاس با قرن گذشته بسیار بیحقوق‌ترند. این اوضاع برای هزارمین بار اثبات میکند که بشر بطور تدریجی و برگشت ناپذیری رشد نمیکند و جلو نمیروند بلکه نیروهای واقعی سیاسی میتوانند جامعه را به فقرا برگردانند. این یک طرف مسئله است. طرف دیگر مسئله جنبشها و نیروهای سیاسی و طبقاتی هستند که هنوز برای امر تغییر تلاش میکنند و تغییر اوضاع موجود را ممکن میدانند.

واقعیت اینست اگر وضع موجود را نپذیریم، اگر از عینک نظام بورژوائی و دستگاه مافیائی مذهب و مردسالاری نهادینه در آن نگاه نکنیم، با امکانات مادی و دستاوردهای تکنیکی و اطلاعاتی دنیای امروز، با هر محاسبه‌ای میتوان دنیای آزاد و مرفه و خوشبخت برای همگان ساخت. میتوان از فقر و فلاکت و زن‌ستیزی و جامعه‌ستیزی و مصائب گریبانگیر بشر آزاد شد. اما هنوز مردسالاری و خشونت علیه زنان هزارها بار بیشتر از طاعون و جُزام و ایدز و بیماریهای اپیدمیک و حتی جنگها از بشریت قربانی میگیرد. سوال اینست که منشأ این زن ستیزی، این جان سختی مردسالاری، این فرهنگ ماچویستی کجاست؟ چرا ضدیت با آزادی و حرمت زن، علیرغم تفاوتهایی که در حقوق و موقعیت زنان در کشورهای مختلف هست، به شناسنامه دنیای امروز تبدیل شده است؟ چرا این فرهنگ منحط هر روز بازتولید میشود؟

سرمایه داری و ستمکشی زن

تاریخ مکتوب بشر با زن ستیزی و زن کُشی عجین است. به این اعتبار زن ستیزی و تبعیض براساس جنسیت ویژگی سرمایه‌داری نیست. اما سرمایه‌داری این میراث نفرت‌انگیز تاریخ را مطابق با نیازهای بازار و سود سرمایه نونوار کرده است. مصائب جامعه امروز دیگر میراث عهد بوق و دوران جهالت بشر نیست بلکه محصول نظام سیاسی و اقتصادی امروز است. اگر هنوز زن کُشی در دنیای امروز الگوهای قرون

تاکید کرد. در این روز باید سرمایه داری را بعنوان مُسبب تمام مشقات انسان امروز به محاکمه کشید و برای سرنگونی آن فراخوان داد. نظامی که انسانها را با مذهب و ناسیونالیسم و قوم پرستی و جنسیت و بومی؛ و خارجی؛ و هویت جنسی؛ و اقلیت؛ و اکثریت؛ و غیره قصابی میکند، از این تقسیمات کاذب ذینفع است. کمونیسم علیه این تقسیمات کاذب است. کمونیسم برخلاف سرمایه داری منفعتی در این تقسیمات و هویت‌های کاذب ندارد. برای کمونیسم کارگری، جنبش آزادی زن یک رکن جنبش سوسیالیستی است. اگر برای بورژوازی فرودستی زن یک رکن انباشت سرمایه است، برای کمونیسم کارگری آزادی زن یک رکن اساسی آزادی جامعه است. بشریت کارگری که برای آزادی جامعه برمیخزد، ناچار است بعنوان بشریت آزاد از هرگونه تبعیض و نابرابری برخوردار شود، و به همین اعتبار، ناگزیر است ریشه های کُل تبعیض و نابرابری و زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی آن را درهم بکوبد.

لغو کامل قوانین اسلامی در همه شئون زندگی



8 MARS

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

حکومت ضد زن نمیخوایم



8 MARS

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

www.hekmat.com

بسوی ۸ مارس،

سوسیالیسم...

اسلام‌زده همین سیاست ناکافی است. تکرار صرف بحث درست برابری اقتصادی در کشوری مانند ایران و درعین حال بی‌توجه بودن به اهمیت تقابل با حاکمیت اسلامی بعنوان یک ابزار مهم و رهنمای سیاسی قدرت سرمایه‌داری، عملاً جنبش آزادی زن را در مقابل شمشیر خونین اسلام خلع سلاح میکند. در کشورهای اسلام‌زده که آپارتاید جنسی یک رکن حاکمیت سرمایه‌داری است، فرودستی زن از جنس نژاد پرستی و سلب هویت اجتماعی و انسانی نیمی از جامعه است. همانطور که سیاست و شعار هر سوسیالیست و کمونیست جدی در آفریقای جنوبی دوران نژادپرستی الغای فوری آپارتاید بود و نفی آپارتاید نژادی را یک گام مهم در انکشاف و بسط مبارزه طبقاتی میدانست، در ایران اسلام‌زده نیز نفی آپارتاید اسلامی یک شرط پیشروی جنبش آزادی زن برای تحقق برابری سوسیالیستی است. در کشورهایی که هویت انسانی اولیه نیمی از جامعه رسماً و قانوناً برسمیت شناخته نمیشود، امر سوسیالیسم و کمونیسم کارگری به امر اعاده شخصیت و حرمت حقوقی و مدنی انسانها گره میخورد.

یک تفاوت دیگر اینست که مسئله زن در ایران و کشورهای منطقه یک گوشه جدال بین المللی و تعیین کننده با اسلام سیاسی است. زن ستیزی، حجاب اسلامی، حاکمیت قوانین آپارتاید جنسی، از ارکانهای مهم ایدئولوژی جنبش اسلام سیاسی است. انقلاب زنانه، یعنی انقلاب رهائی بخشی که زنان در آن نقش چشمگیری دارند، کمر جنبش اسلام سیاسی را میشکند و سرآغاز دوران نوینی از برابری خواهی و آزادیخواهی سوسیالیستی در منطقه و جهان خواهد شد. پیروزی بر آپارتاید اسلامی در ایران زنان را بعنوان یک بازیگر مهم اجتماعی علیه اسلام و سرمایه داری در معادلات بین المللی طرح میکند و سوسیالیسم را بعنوان پیشروترین و مُدرنترین جنبش مقابل بشریتی میگذارد که در جستجوی راهی برای برون رفت از کثافات سرمایه داری است.

اصلاحات و رهائی زن

مبارزه برای بهبود و تغییر قوانین به نفع زنان فوری و حیاتی است و ما کمونیستها و فعالین جنبش آزادی زن در صف اول هر مبارزه برای بهبود قانونی حقوق و حرمت زنان هستیم. اما باید بین هر تغییر و اصلاحی به نفع زنان با نفی ریشه ستم بر زن در جامعه طبقاتی، رابطه روشنی برقرار کرد. دیدگاههایی که هرنوع بهبود فوری موقعیت زنان را به سوسیالیسم حواله میدهند، همینطور دیدگاههایی که تلاش دارند سازشی بین خواستهای زنان و جامعه موجود برقرار کنند، هردو و هرکدام نوعی، افق پیشروی این جنبش را مخدوش میکنند. اولی از سوسیالیسم درکی امام‌زمانی دارد در صورتی که سوسیالیسم یک جنبش واقعی و جاری برای تغییر است و کل دستاوردهای تاکنونی جوامع بشری اساساً محصول مبارزه نسلهای متمادی کارگران و جنبش سوسیالیستی و کمونیستی است. و دومی رفرمیستی است چون افق آزادی زن را در چهارچوب نظم کنونی قالب میزند. برای کمونیسم و برابری طلبی سوسیالیستی نه فقط مبارزه برای بهبود و اصلاحات و تغییر پایه ای و ریشه ای تناقضی ندارد بلکه لازم و ملزوم یکدیگرند. زن باید بعنوان انسان برابر از قید هر نوع ستم آزاد شود. زن بعنوان انسان برابر نباید شرایط خفت بار موجود را بپذیرد.

در ۸ مارس باید بر خواستهای فوری و پایه ای و نفی ارتجاع و آپارتاید و بیحقوقی زن

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!



نظر اکثریت تظاهر هم نمی کنند. با مشت های آهنین جامعه را اداره می کنند. و این شرایط حاکم نه فقط در آمریکا، بلکه در کل غرب است. رشد جریانات راست و فاشیستی، بقدرت رسیدن احزاب دست راستی، افزایش غیرقابل باور قدرت و سرکوب پلیسی، رشد سانسور و تهدید آزادی بیان و اعتراض، در میان رشد وسیع فقر و بی خانمانی. شرایط بسیار خطرناک است. رشد فاشیسم یک احتمال قوی است.

بنظر می رسد که جنبش اعتراضی در همبستگی با مردم فلسطین به نقطه جوش و اتصال دادخواهی مردم علیه سرکوب و ستم حاکم بدل شده است. زنده نگاه داشتن و گسترش این جنبش عدالت خواه یک امر حیاتی است. این نسل کشی چهره جنایتکار و سرکوبگر طبقه حاکم غرب را به بهترین وجه افشاء نمود. باید بر متن این آگاهی، جنبشی وسیع و رادیکال علیه نظم حاکم سازمان یابد.



من دیگر در نسل کشی سهیم نخواهم بود

خودسوزی افسر آمریکایی: افشای نقش آمریکا در نسل کشی غزه

آذر ماجدی

نزدیک به پنج ماه از نسل کشی در غزه می گذرد. امروز شاهد یک قتل عام دیگر در شمال غزه بودیم. ارتش اسرائیل به انسان های گرسنه و تشنه ای که برای دریافت غذا تجمع کرده بودند حمله کرد، حدود ۱۵۰ نفر کشته و هزار نفر مجروح شدند. نه اسرائیل، نه آمریکا و نه غرب دیگر حتی تلاش نمی کنند که چهره جنایات و قتل عام را بزرگ کنند؛ توجیه بتراشند؛ یورش می برند و می کشند.

جنبش در دفاع از مردم فلسطین، در محکومیت اسرائیل و آمریکا نیز سر خاموشی ندارد. تصور می شد که پس از مدتی جنبش اعتراضی فروکش می کند و خاموش خواهد شد. اما، این جنبش اعتراضی عدالت طلبانه کماکان با حرارت به پیش می رود. دولت های غربی هر گونه اعتباری را از دست داده اند. ماسک های دروغ و ریا دریده شده است. روز یکشنبه ۲۵ فوریه یک حرکت اعتراضی در آمریکا بحران ایدئولوژیک حکومت را آشکار تر ساخت.

خبر خودسوزی آرون بوشنل یک افسر نیروی هوایی آمریکا در مقابل سفارت اسرائیل در واشنگتن در اعتراض به نسل کشی در غزه، مانند یک بمب در سراسر جهان منفجر شد. این خبر آنچنان مهم بود که حتی رسانه های بستر اصلی نتوانستند آنرا سانسور کنند. سی ان ان در میان شوک همگانی نه تنها خبر را منتشر کرد، بکه آخرین پست وی در توئیتر که قاطعانه اسرائیل و آمریکا را محکوم می کند را نیز منعکس نمود:

”اسم من آرون بوشنل است و عضو فعال نیروی هوایی آمریکا هستم. من دیگر در نسل کشی سهیم نخواهم بود. من اکنون به یک حرکت اعتراضی افراطی دست خواهم زد؛ اما در قیاس با آنچه مردم فلسطین در دستان استعمارگران شان تجربه می کنند، بهیچوجه افراطی نیست. این آنچهی است که طبقه حاکم قصد دارد نرمالیزه کند. فلسطین را آزاد کنید!“

ظرف چند ساعت آرون بوشنل به قهرمان و سمبل عدالت طلبی و انسان دوستی بدل شد. از سوی دیگر، نظر به گسترش انعکاس خبر و تاثیر آن، طرفداران اسرائیل و غرب، آرون را به تمسخر گرفتند و دیوانه اش خواندند. دیروز تعدادی از سربازان از جنگ بازگشته آمریکایی، در گرامیداشت آرون، در یک حرکت اعتراضی، یونیفورم های خود را به آتش کشیدند. چند روز پیش از مرگ، آرون بوشنل از شرکت سربازان آمریکایی در جنگ غزه خبر داده بود. برای مردم آمریکا روشن شده است که این جنگ، جنگ آمریکاست.

بسیاری این خود سوزی را با خودسوزی های اعتراضی به جنگ ویتنام مقایسه کردند. تفاوت اینجاست که در زمان جنگ ویتنام خودسوزی ها توسط مخالفین ویتنامی جنگ انجام می گرفت ولی این بار یک نظامی آمریکایی در اعتراض به شرکت آمریکا در نسل کشی دست به این اقدام زده است. این رویداد اعتبار هیات حاکمه آمریکا را هر چه بیشتر به زیر سوال می برد. در شرایط حاضر یک بی اعتمادی وسیع نسبت به حکومت در جامعه موج می زند.

علیرغم، این بی اعتمادی و بی اعتباری و گسترش جنبش اعتراضی، دولت آمریکا بر ادامه این نسل کشی و تداوم و گسترش جنگ پای می فشارد. دیگر حتی به رعایت

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!



بخشهای جامعه را پوشش دهند. جمع آوری نیروی لازمه از مردم و سازمان دادن آنها حول خواستههایشان قطعاً کار آسانی نیست اما برای رهبرانی که تا به امروز شعله های خیزش انقلابی را نگه داشته اند امکان پذیر است. از این میان اعتراضات زنان و جنبش آن بیش از همه مورد توجه است. بخشی از فعالین زن در زندانها هستند که مقاومت بی نظیری از خود نشان داده اند. قیام

علیه حجاب در زندانهای جمهوری اسلامی خشم این رژیم را برافراشته است. از طرفی هم گرایشات متعددی در میان فعالین زن وجود دارد که در این شرایط با پلاتفرمها و اهداف معینی عرض اندام کرده اند. گرایش سوسیالیستی جنبش زنان، فمینیسم نئو لیبرالی و لیبرالیسم غربی امروز همه زیر تیغ جمهوری اسلامی هستند. دوره هایی از حاکمیت اپوزیسیون حکومتی به بخشهایی از نئولیبرالها و فمینیستهای ملی-اسلامی میدان دادند و تقویت این گرایشات آزاد بود. همان زمان گرایش سوسیالیستی بشدت تنبیه و محاکمه میشد. اما در این دوره رژیم ترجیح داده است که خاطر هیچ گروه و جریانی را نگیرد و وسیعاً به انتقام گیری و کشتار و زندان فعالین میپردازد.

گرایش سوسیالیستی و یا جنبش آزادی و برابری زن که مورد توجه من در این نوشته است بسیار بالاتر از هر دوره ای از تاریخ خود نقش آفرین بوده است. از بدو تحمیل سرکوبگرانه رژیم اسلامی و در همه کوره راههای سخت همواره مدافع پیگیر و همه جانبه و سازش ناپذیر حقوق کامل زنان بوده است. بخش وسیعی از دهه هشتادی های امروزی ثمره چنین گرایشی در جنبش زنان هستند که چه خود متوجه شده باشند و چه نه. آنها روی ریلی در حرکتند که بنیان گذاران گرایش سوسیالیستی سالهاست بی وقفه میپیمایند. حماسه آفرینی ها در فرمت حجاب-بی-حجاب، آتش زدن حجاب اسلامی، زیر پا گذاشتن آپارتاید جنسی، چلنج دین در کلیت آن بعنوان ابزار بردگی زنان، مبارزه علیه فقر و در کنار کارگران مبارزه کردن و نقش آفرینی در دیگر جنبشهای اجتماعی از پایه های فکری این گرایش سوسیالیستی در جنبش زنان است. نسل دهه هشتادیهایی امروزی بطور آشکار اعلام کرده اند که قصد "تغییر" رژیم (رژیم چنج) را ندارند، که با ارزشهای اسلامی در تضاد کامل هستند، که برای نابودی کامل جمهوری اسلامی به میدان آمده اند. "اصلاح طلب، اصولگرا دیگر تمامه ماجرا" و "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر"، "ما انقلاب نکردیم، تا به عقب برگردیم" زبان گویای این نسل و قیام کنندگان یک سال و نیم اخیر بوده و هست.

اگرچه این جنبش قوی در میان زنان و جوانان در خود گرایشات متفاوتی را حمل میکند و قطعاً تاثیرات آنرا در اعتراضات گروهی و حتی فردی میبینیم، اما بروز یک گرایش بشدت ماگزیمالیست و سکولار و ضد دین در آن از همه بیشتر نمایندگی میشود. درافتادن با دین و فرامین مذهبی کار هر اپوزیسیون و گرایشی نیست. مثلاً اپوزیسیون راست همیشه راهی میانی برای حفظ و یا کنترل مذهب به مدل خود پیدا کرده است. آشکارا میگویند که اسلام دین رسمی کشور را دست نخواهند زد و باید به آن احترام گذاشت، و یا اینکه راه هست که اسلام خوب را معرفی کرد و به بعضی از خواستههای زنان هم جواب داد. حفظ سرمایه و دین از ارکان مهم اپوزیسیون راست و ناسیونالیست و احزاب همه با همی است.

عده ای هنوز خواب سلطنت میبینند. وعده یک دولت سرمایه داری متعارف مدل اروپایی را طرح میکنند. گوشه ای دیگر ناسیونالیستها سرزمین خود را میخواهند بدست بگیرند. حتی عیابی ندارند که بگویند سپاه را حصریم

کمونست می پرسد

به استقبال ۸ مارس روز جهانی زن

با هلاله طاهری

کمونست: ۸ مارس روز جهانی زن پیش روست. ایران در شرایط محتولوی قرار دارد. نبرد زنان به شیوه های مختلف علیه آپارتاید جنسی و قوانین ضد زن جمهوری اسلامی در جریان است. جایگاه روز جهانی زن در این اوضاع از نظر شما چگونه است؟

هلاله طاهری: اعتراضات زنان و دختران در کنار جوانان و دیگر اقشار اجتماعی در سال ۱۴۰۱ رعدی از آسمان بی ابر نبود. چهل و چهار سال مبارزه مردم ایران، بویژه جنگ زنان با حجاب، با آپارتاید جنسی، با قانون شریعت اسلام زمینه های این خیزش انقلابی را فراهم ساخته بود. اما لحظه این رعد آنروزی بود که دختر جوانی به نام ژینا مهسا امینی به بهانه عدم رعایت حجاب اسلامی بدست ماموران رژیم کشته شد. در عرض یک هفته خشم زنان و دختران در سوزاندن حجاب ها از مزار ژینا تا شهرهای بزرگ به اوج رسید و سراسری شد. از آنزمان چهره جامعه هرگز به یک سال قبل خود بازنگشت. خیزش انقلابی مصادف بود با فاجعه فقر در خانواده های کارگری و تهیدستان و بیکاران، پر شدن زندانها از زندانیان سیاسی، قتل و اعدام هر روزه، دزدیهای بیکران سران ریز و درشت حکومتی، آشکار شدن هویت پوسیده دولتی، افزایش قتل ناموسی و اعتیاد، حملات گله های پاسدار و بسیجی همه جا و هر لحظه. دیگر جایی برای نفس کشیدن نمانده بود. بر متن چنین شرایط ویژه ای، هنگامی که پایینی ها دیگر فقر، بی عدالتی و فشار را تحمل نمیکنند و بالایی ها عملی انجام نمیدهند بغیر از حمله وحشیانه و انتقام گرفتن، شروع خیزشها و انقلابات محتمل میگردد. اگر چه آنچه در سال ۱۴۰۱ رخ داد یک انقلاب نبود اما برای بخشی که از جامعه و بویژه زنان که با حجاب سوزانی در کنار جوانان پاشنه آشیل این رژیم و آپارتاید جنسی شان را نشانه گرفتند یک شبه انقلاب بود. رقص و پایکوبی و جشنهای همگانی با شعار علیه کلیت رژیم، سنگر بندی در محلات و همکاری شورایی مردم در اداره موقت محلات و پاسسازی آنها از اوباشان رژیم را با روزهایی از تجربه انقلاب در فرانسه و کمون پاریس میشود مقایسه کرد.

آنروزهای داغ و حماسه های هر روزه این زنان و مردان بیش از یک سال و نیم است که توجه منطقی و جهان را به خود معطوف کرده و مورد حمایت وسیعی قرار گرفته است. در ایران و خارج کشور برای ایرانی ها از همه بیشتر تلاش برای وصل شدن به جنبش اعتراضی در داخل چشم دوخته اند و جبهه های متفاوتی شکل گرفته است. از "کنشگر" سیاسی و سلبریتی های خارج کشوری که خود را نماینده اعتراضات و جنبش زنان مینامند و شتاب در کسب جوایز دارند تا اپوزیسیون های سلطنت طلب، ملی گرا، احزاب "همه با همی" و ناسیونالیستهای منطقه محور همه در تکاپوی فرصت تاریخی برای سوار شدن بر موج اعتراضات مردم هستند. در جبهه دیگر کمونیستها، آزادیخواهان و سکولارهای انساندوست هستند که تلاش میکنند اخبار واقعی اعتراضات این جنبشها را به گوش جهان برسانند و همبستگی خود را با جنبشهای خیابانی اعلام دارند. آنها را کمک کنند که دچار لغزش در هدایت و رهبری اعتراضات هر روزه خود نگردند و به سازماندهی و تشکلات خود بپردازند. جنبش کارگری و اعتراضات و اعتصابات هر روزه آن، اعتراضات بازنشستگان، معلمان، دانشجویان، محصلین و مبارزه با افغان گریزی از جمله کانونهایی هستند که کمونیستها در تماس و همکاری با رهبران و فعالین آن میکوشند منفعت وسیعترین

استثمارگرانه سرمایه داری سوسیالیسم را. اگر مذهب و سرمایه داری توانسته اند انسان را تا به امروز به فلاکت و فقر و جهل و نابودی برسانند چرا سوسیالیسم نتواند رهایی از این یوغ بردگی سرمایه و جهل را به سرانجام نرساند؟

زنان، جوانان، فعالین و رهبران این جنبش حاضر!

در روز هشت مارس در کنار خانواده های کارگری، در کنار همه اقشار معترض از بازنشستگان، معلمین، دانشجویان و محصلین همانند روزهای خیزش انقلابی روز زن را به عنوان روز مبارزه علیه بی عدالتی، علیه فقر، علیه دین و جهل و خرافه، علیه سرمایه داری افسار گسیخته، علیه دولت و سیستم و قانون اساسی آن رقم بزنید. بگذار همه بدانند که خیزش انقلابی و بازیگران واقعی آنها در کنار کارگران و جنبشهای واقعی ایستاده اند تا بدون هیچ سازشی براندازی جمهوری اسلامی و سیستم حاکمیت سرمایه دارانه آن را پیش برند و یک جامعه شورایی را بنیان گذارند که در آن زنان و مردان به اراده جمعی خود جامعه ای نو بسازند. نشان دهید که زنان در تمام عرصه های مبارزاتی در صف رهبری هستند و مأمور ایجاد یک آینده آزاد و برابر.

زنده باد روز جهانی زن!



کمونیست می پرسد

کنترل کنیم و یا هنوز راه هست که جمهوری اسلامی را "تغییر" داد. رسماً گفته اند که جمهوری اسلامی را به چپ و کمونیست ترجیح میدهند و نمیگذارند چپی ها قدرت بگیرند. در میان فمینیستها شاهد گرایشات ناسیونالیستی و نئولیبرالیستی هستیم که محصول دوران شکوفایی اصلاح طلبان هستند. الگوی جدیدتری

از فمینیسم به مدل اینترسکشونالیته (در هم تنیدگی نژادی، نظریه ای که در سه دهه اخیر از امریکا شروع شد و در میان طیف وسیعی از فمینیستهای جهان و از جمله بخشی از فمینیستهای ایرانی مورد توجه جدی است) با کانالیزه کردن حقوق زنان از دریچه تقسیم آنها به نژاد، ملیت، مذهب و جایگاه اجتماعی آنها طرح ناسیونالیستها را تقویت میکند. ناسیونالیسم عظمت طلب و نوع سلطنتی آن زنان را "آریایی" و ناسیونالیسم کرد و بلوچ و ترک هم زنان "کرد" و "ترک" و "بلوچ" تعریف میکنند. جمع این تفکرات و عملکرد آنها میشود شقه شقه کردن حقوق جهانشمول زنان و منزوی کردن زنان در دایره های محدودتری که رسیدن صدای زنان به هم بسیار دشوار میشود.

فعالین زن و رهبران خیابانی مبارزه علیه حجاب و آپارتاید جنسی برای رسیدن به اهدافشان و بیشترین خواستههایشان در این میان باید به منافع حقیقی و جهانشمول خود توجه کنند و ببینند که به کدام جبهه نزدیکتراند. مبارزه با اسلام سیاسی در قدرت و ایجاد یک جامعه بدون خرافه مذهبی، تغییر بنیادی سیستم اقتصادی جامعه از مدل سرمایه داری متوحش امروزی به یک سیستم اجتماعی متکی به برابری انسانها، آزادی بی قید و شرط سیاسی (و نه مدل دموکراسی اروپایی) و برابری زن و مرد در تمام شئون زندگی در مانیفست احزاب بورژوایی و ناسیونالیستی موجود نیست. همه این آرمانها از سالها مبارزه کمونیستها برای رسیدن به یک جامعه سوسیالیستی برگرفته شده است. کمونیستها پیگیرترین مدافعین حقوق زنان، کارگران، اقلیتها و گروههای اجتماعی هستند. چرا که برای کمونیستها اساس انسان سوسیالیسم است (منصور حکمت). زمانی انسان برای ترس از طبیعت مذهب را ساخت. عصری دیگر همین انسان برای رهایی خود از خرافه و دین و از نظم

راههای ارتباط با حزب حکمتیست

برای ارسال خبر، فیلم و گزارش و تماس با حزب حکمتیست از طریق واتساپ و تلگرام و تماس مستقیم با این شمارهها تماس بگیرید.



صالح سرداری ۰۰۴۹۱۷۶۶۳۴۶۱۹۴۲
پروین کابلی ۰۰۴۶۷۰۷۷۴۴۰۲۰
رحمان حسین زاده ۰۰۴۶۷۳۹۲۲۵۹۶۹
ملکه عزتی ۰۰۴۷۴۱۲۶۰۴۹۷

www.hekmatist.org

حزب کمونیست ایران - حکمت

Worker Communist Party of Iran - Hekmatist

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

گردهمایی به مناسبت روز جهانی زن شورای حمایت از مبارزات مردم در ایران - کلن

سخنران: مینا زرین



جمعه: 08.03.24
17.00 - 20.00

Ebertplatz - Alte Feuerwache
Melchiorstr. 3 - 50670 Köln

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



نیابتی های جمهوری اسلامی در کردستان

عراق

همایون گدازگر

و تضعیف حکومت اقلیم کردستان است و به این وسیله بی خاصیتی خود را در دفاع از جان و مال افراد و نیروهای جریان خود و حتی حقوق شناخته شده بین‌المللی برای اپوزیسیون و پناهندگان بی امکانات نشان داده اند و در واقع تأیید می‌کنند که سرف وجود حکومت کردی می‌تواند توجیهی باشد برای هر اقدام ضد انسانی و جنایتکارانه علیه مردم و اپوزیسیون جمهوری اسلامی.

سیاست کثیف و ضد انسانی احزاب حاکم در کردستان عراق در سه دهه گذشته یکبار دیگر پوشالی بودن ادعای ناسیونالیستها در دفاع از حقوق مردم کرد و همدردی با آنها را نشان داد. نشان داد که منافع مادی و حفظ قدرت بر دفاع از حقوق پایمال شده "مردم کرد" ارجحیت دارد و "کردایه تی" و جنبش آن شعاری پر از تناقض و دروغین است که خود "کردها" می‌توانند اولین قربانیان آن باشند و مردم کردستان در سه دهه گذشته شاهد این واقعیت بوده اند.

حکومت اقلیم کردستان و احزاب تشکیل دهنده آن مانند هر دولت طبقاتی دیگر حافظ منافع مادی و طبقاتی و قدرت دولتی خود هستند، و این قطب نمای اتخاذ سیاستهای آنهاست نه ملیت و دفاع از منافع مردم کرد و دروغ‌پردیهایی از این قبیل. پس از بیش از دو دهه هنوز نه تنها پایه های حاکمیت این حکومت در جامعه کردستان عراق محکم نشده است، بلکه برعکس اکنون با اعتراض و تنفر میلیونی مردم کردستان روبروست. همین سیاستها و بخصوص فساد و دزدی مداوم طی دو دهه گذشته بی لیاقتی و نامربوط بودن آنها را به جامعه کردستان نشان داده است. تنفر و اعتراض و بی اعتمادی مردم به این احزاب از یک طرف و فشار حکومت مرکزی از طرف دیگر، احزاب حاکم در کردستان عراق را برای حفظ خود در برابر اعتراض مردم به دامان جمهوری اسلامی انداخته و به مجری سیاستهای آن تبدیل کرده است.

این سیاستهای ضد انسانی در قبال اپوزیسیون جمهوری اسلامی در کردستان عراق بعنوان لکه ننگی در پرونده ای احزاب حاکم باقی خواهد ماند و انقلاب پرشور آتی جامعه ایران برای بگور نهادن جمهوری اسلامی، مسبب آن را مجبور به جوابگویی خواهد کرد.

در ادامه فشار به اپوزیسیون جمهوری اسلامی مستقر در خاک عراق اکنون نیروهای امنیتی حزب اتحادیه میهنی کردستان عراق با لشکر کشی و محاصره یکی از کمپهای پناهندگی مر بوط به حزب دمکرات کردستان ایران در صدد دیوارکشی و محاصره صدها پناهنده و خانواده و زن و کودک هستند. این اقدام ضد انسانی اتحادیه میهنی در حالی اتفاق می افتد که در ماههای گذشته این احزاب از جانب حکومت اقلیم کردستان زیر فشار مداوم برای تخلیه اردوگاه‌هایشان بوده اند. جمهوری اسلامی پس از بمباران این اردوگاهها که با تأیید حکومت وابسته مرکزی عراق انجام شد، مستقیماً و با شرکت نیروهای امنیتی پروسه فشار به اپوزیسیون در کردستان عراق را ادامه می‌دهد.

احزاب حاکم در کردستان عراق روز به روز بیشتر در در لجنزار در یوزگی و سرسپردگی جمهوری اسلامی فرو می روند و نفرت میلیونها انسان را متوجه این اعمال شنیع خود کرده اند. در واقع سابقه اینها در رواج سیاستهای جمهوری اسلامی در کردستان و میدان دادن به نیروهای اسلامی و در نتیجه آن فشار به زنان و قتل عام آنان و همچنین ترور صدها تن از اپوزیسیون جمهوری اسلامی توسط باندهایی از اینها، خیلی قبلتر از پیدایش حشد شعبی و دیگر نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی در عراق شروع شده است.

کارنامه طویل این احزاب در پیشبردن سیاستهای رژیم تنها به برگزاری سالگرد خمینی جلاد و گریه وزاری برای قاسم سلیمانی و مراسمهای محجبه کردن دختران محدود نمی شود. کردستان عراق و بخصوص منطقه تحت حاکمیت اتحادیه میهنی محل جولان تروریست‌های جمهوری اسلامی و بنگاههای جاسوسی آن است. خدمتی که اینها به گسترش فضای ارتجاعی اسلامی کرده اند هیچ نیروی نیابتی دیگر جمهوری اسلامی در عراق نکرده است. چهره فرهنگی و اجتماعی کردستان عراق را بکلی تغییر داده اند و رشد ارتجاع مذهب موجب عقبرگرد بخش‌های چشمگیری از جامعه کردستان عراق شده است. نفوذ جمهوری اسلامی بر احزاب حاکم در کردستان عراق را امروز دیگر کسی نمی‌تواند انکار کند. این احزاب و بخصوص حزب اتحادیه میهنی به مجری تمام و کمال سیاستهای جمهوری اسلامی علیه مخالفین آن تبدیل شده است و این ننگ تاریخی به گردن بالا ترین مقامات و مسولین این حزب آویزان است.

متأسفانه تا زمانیکه یک تحول اعتراضی و انقلابی در ایران با رژیم سیاه جمهوری اسلامی تعیین تکلیف نکند، در یوزگی این جریانات در مقابل جمهوری اسلامی ادامه خواهد داشت و دیوارکشی و زندانی کردن زن و بچه و مردم بیگناه آخرین عملکرد جنایتکارانه این احزاب "خودی" و "کردی" نخواهد بود.

اما باید یادآور شد که احزاب ناسیونالیست کرد مستقر در مناطق تحت حاکمیت حکومت اقلیم کردستان عراق که خود قربانی اصلی این سیاستهای کثیف احزاب و حکومت اقلیم هستند، هیچ اعتراضی به این عملکرد احزاب حاکم ندارند. و در دو - سه دهه گذشته همواره این در یوزگی در مقابل جمهوری اسلامی را توجیه کرده اند. رهبران احزابی از قبیل کومه له و دمکرات و غیره همواره این فشارها را چنین توجیه کرده اند که قصد جمهوری اسلامی از این سیاستها مقابله با

partoutv
تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال اترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست، فرکانس: ۱۲۵۹۴، پولاریزاسیون: عمودی،
سیمبل ریت: ۳۷۵۰۰، اف ای سی: ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران:
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰
تکرار روز بعد در ساعت های: ۳:۳۰ تا ۴:۳۰، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰



بخشی از عرصه مبارزات ال جی بی تی کیو که زنان نیز بخش مهم و تاثیرگذار آن هستند میتوان دید.

ناسیونالیسم با تعریف مشخص و خواست های زنان در یک جغرافیای معین، به نوعی از ابتدا تبعیض قومی و ملی را بر زنان در قالبی پست مدرنیستی رواج می دهد و مسئله تبعیضات و آپارتاید جنسی، مذهبی و طبقاتی قضیه را به مرحله ای دیگری که معلوم نیست چه زمان است موکول میکند.

همانند رویکرد پوپولیستی جریانات ناسیونالیستی نوعی از پوپولیسم در بخشی از عرصه مبارزاتی زنان ال جی بی تی کیو وجود دارد که صرفا مبارزات خود را به خلاصه به مبارزه جهت رسیدن به برابری های جنسی و هویتی، آن هم بشکلی رفرمیستی در چارچوب قوانین بورژوازی تعریف کرده و بصورت ریشه ای نگاه طبقاتی ضد سرمایه داری که موجب تمامی مصائب خود شده است به جامعه بزرگ ال جی بی تی کیو ارائه نمی دهند. در مبارزات جامعه رنگین کماتی این را باید در نظر داشت که فقط در یک حکومت کارگری-سوسیالیستی است که زنان و مردان آن جامعه با هر گرایش و تعریف جنسی و جنسیتی از حق و حقوق برابر نسبت به هم برخوردار بوده و اینگونه همجنسگرایان، دوجنسگرایان، ترنس ها و کوئیر ها می توانند به آزادی و برابری در تمامی سطوح برسند.

در پراتیک مبارزاتی برای رهایی زنان از تبعیض، نابرابری و استثمار و آپارتاید جنسی گرایشات پوپولیستی در تلاش هستند تا از طریق همین پوپولیسم در عمل بخش های مختلف جامعه را با خود همراه کنند تا بتوانند اهداف سیاسی و طبقاتی خود را که دست آخر موجب تداوم سیستم سرمایه داری فعلی با کمی تغییر میشود را پیش ببرند.

پوپولیسم جناح های راست و چپ خود را دارد و حتی شاهد این هستیم که بخشی خود را چپ معرفی میکند و عملا اهداف سرمایه داری را پیش میبرد. این جناح چپ پوپولیسم از سر اپورتونیسیم است که نیازمند به این نوع عملکرد سیاسی است تا بتواند در گردونه سیاسی باقی بماند. اقدامات جریانات پوپولیست دست آخر در بهترین شرایط به سرمایه داری و جناح های راست و چپ آن خدمت کرده و نه تنها دردی از زنان و مردان و در یک کلام زحمتکشان جامعه دوا نخواهد کرد، بلکه به بازار سرمایه و استثمار طبقاتی زنان با اشکال مختلف استحکام خواهد بخشید. بعلاوه اقدامات پوپولیستی انجام شده از سوی جناح های راست و چپ آن فقط به اصلاحات کوچک و مقطعی در افسار گسیختگی این نظام برده داری مدرن خواهد انجامید.

هویت تراشی جنسی در دل پوپولیسم به دور از مبارزات طبقاتی!

“اینترسکشنالیتی” یکی از ترم های شناخته شده رخنه کرده در جنبش های فمینیستی در جوامع سرمایه داری بوده و با تقسیم کردن جنبش آزادی خواهی زنان به بخش های مختلف از طریق هویت تراشی قومی و ملی و حتی دینی، دردی از نابرابری و تبعیضات تحمیل شده بر زنان در جامعه را دوا نخواهد کرد. تقسیم بندی های قومی، ملی، دینی و جنسی تنها کاری که میکند ایجاد کردن اختناق بین صفوف مبارزاتی زنان جهت آزادی و رهایی از تبعیضات اجتماعی، سیاسی و طبقاتی است. هویت تراشی از دل عرصه مبارزات برای رسیدن به آزادی های جنسی و جنسیتی و رهایی از آپارتاید جنسی جریانات پوپولیست

۸ مارس؛ نقدی بر سیاستهای پوپولیستی و هویت تراشی!

امیر عسگری

۸ مارس در پی مبارزات زنان آزادیخواه و فعالین چپ و کمونیست از جمله رزا لوکزامبورگ در قرن بیستم به عنوان روز جهانی زن شناخته شده و بویژه توسط فعالین چپ در جهان گرامی داشته میشود. در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی و با تلاش های حکومت برای تحمیل اسلام سیاسی بر جامعه، فعالین جنبش آزادی زن همواره با سانسور، سرکوب، دستگیری و زندان بخاطر گرامیداشت این روز مهم روبرو میشوند.

به عنوان نیروهای آزادیخواه و برابری طلب گرامیداشت ۸ مارس تنها به منزله بزرگداشت یک تاریخ برای تقدیر از مقام زن نیست بلکه روز اعتراض به بساط سرمایه داری و تبعیضاتی است که از ماهیت این سیستم ضد زن بر نیمی از جامعه تحمیل شده است.

در جهان امروز با بدل شدن جنبش آزادی زن به یک جنبش پویا و رادیکال در سطح بین المللی و به همت مبارزات فعالین چپ و کمونیست در این عرصه در طول بیش از یک قرن بخش های مختلف جامعه اعم از راست و چپ با تعابیر مختلف همواره تلاش میکنند که خود را به نوعی در مبارزات جنبش آزادی زن سهیم کرده و یا اینگونه جلوه دهند. اما باید در این خصوص دقیق تر شد تا به ماهیت سیاسی و طبقاتی مدافعین این جنبش نگریست.

اینترسکشنالیتی و پوپولیسم در جنبش رهایی زن!

جناح های مختلف پوپولیستی همواره در تلاش برای حقنه کردن خود از طریق ارائه تحلیل های عامه فریبانه و اقداماتی پوپولیستی خاک بر چشم جنبش های پیشرو همچون جنبش رهایی زن بپاشد، از این رو همواره در جنبش مبارزاتی زنان شاهد آلترناتیو سازی ها، دسته بندی ها و هویت تراشی های روزانه با مضامینی غالبا فراطبقاتی و پوپولیستی هستیم.

برخلاف جریانات پوپولیستی بورژوازی، کمونیسم و کمونیسم کارگری فرمولبندی و تعریف دقیقی از مبارزه زنان در جهت آزادی از بند و بساط آپارتاید جنسی، دینی و استثمار طبقاتی دارد و همین دید طبقاتی را باید بطور دقیق معیار مبارزات جنبش آزادی زن قرار داد. در این صورت اگر با دید طبقاتی مبارزات زنان جهت رهایی و آزادی را معیار نقد و بررسی عملکرد جریانات مختلف در مبارزات زنان قرار دهیم، تصویری رنگارنگ با دسته ها و جریانات پوپولیستی برایمان نمایان میشود.

“اینترسکشنالیتی” در جنبش های فمینیستی دسته بندی های هویتی، قومی، جنسی و جنسیتی را وارد مبارزات زنان کرده و نتیجه تلاش اش موجب گسست بیشتر میان جنبش مبارزاتی زنان برای رهایی و دور شدن سیر مبارزات از ماهیت طبقاتی آن شده است.

بخش قابل توجهی از جنبش مبارزاتی آزادی خواهی زنان در جهان سرمایه داری غرب آلوده به “اینترسکشنالیتی” و هویت زدگی است، این هویت فقط به هویت قومی و ملی خلاصه نمی شود و به نوعی هدفمند تلاش در جدا کردن عامل اصلی تبعیضات از ماهیت سرمایه داری آن دارد. نمونه های فراوان این نوع نگاه پوپولیستی را در ناسیونالیسم عظمت طلب فارس، کرد، ترک، عرب و یا جنبش زنان کوئیر و

۸ مارس؛ نقدی بر.....

و بخصوص جناح چپ آن را وارد مبارزات ال جی بی تی کیو با متد بورژوازی کرده و شاهد آن هستیم که پراتیک سیاسی اتخاذ شده از سوی این جریانات پوپولیست که عموماً جناح چپ بورژوازی هستند تعابیر غیر چپ و غیر سوسیالیستی را وارد سطحی از مبارزه شان کرده است. قطعاً این را نیز باید تاکید کرد که این کمونیست است که باید در جهت احقاق حقوق پایمال شده ال جی بی تی کیو در ایران و جهان مبارزه کند، اما روش مبارزه برای تحقق این خواست مهم است و نباید پوپولیسم و یا متد مبارزاتی جناح های بورژوازی را رنگ کرده و به عنوان یک اکت چپ به جامعه فروخت.

همین گرایشات هویت زده پوپولیستی در مبارزات جنبش آزادی زن در جهان سرمایه داری با عملکردی غیر سوسیالیستی با علم کردن شعارهایی که ضدیتی با سرمایه داری و بند و بساط آن که عامل اصلی نابرابری های جنسی و جنسیتی شده است، با هدف تداعی شدن با جریانات سیاسی پوپولیست جناح های بورژوازی، نوعی همه با همی با این جریانات را در مراسمی چون؛ "رژه افتخار" و یا مناسبت‌های مختلف ایجاد شده در نیم قرن گذشته در جوامع سرمایه داری مانند "V-Day" به ورطه نمایش در می آوردند.

این جریانات پوپولیستی و جناح چپ آن علاوه بر بدل شدن به اهرم پیش برنده مناسبت‌های مختلف رفرمیستی، به مسائل روزانه جنسی و جنسیتی و هویتی بخشهای مختلفی برای به نمایش گذاشتن هویت گرایی و بدل کردن مبارزات جنبش آزادی زن از سطح مبارزات پیشرو طبقاتی جهت رهایی زنان از تبعیضات طبقاتی و اجتماعی و آپارتاید جنسی و مذهبی به بخشی کوچک از مسائلی می پردازد که بجای برطرف کردن ریشه ای مصادف زنان به نوعی حتی در مواردی موجب عادی سازی برخی از معضلات این بخش مهم از جامعه می شود.

بورژوازی به واسطه مبارزات زنان و مردان طبقه کارگر مجبور شده است تا بخشی از لجام گسیختگی اش علیه زنان را با حداقلی ترین شکل ممکن با ایجاد رفرم هایی ناچیز و قطره ای ساختار چهره ضد زن و پر از تبعیض اش را ترمیم کند. این را نیز باید دانست که بورژوازی بواسطه ماهیت طبقاتی استثمارگرانه اش هر شکلی از رفرم را که در چارچوب همین سیستم پر از تضاد طبقاتی، آن هم در حداقلی ترین شکل ممکن هم که ایجاد کند، همان حقوق اعطا کرده اش را به اشکال مختلف از زنان و مردان جامعه پس خواهد گرفت.

جناح چپ پوپولیسم در جنبش مبارزاتی زنان!

هر جریانی که ادعای ارتدوکس بودن پراتیک مارکسیستی اش را دارد تلاش میکند تا مشخصات و متد مبارزاتی طبقاتی خود را در آن عرصه مبارزاتی اتخاذ کرده و قبل از شروع به هر اکت سیاسی با این متد حرکت میکند و مرزبندی خود را با هر جریان پوپولیست و اپورتونیست و سانتالیست مشخص میسازد. جناح چپ جریانات پوپولیستی بر خلاف جریاناتی که با متدولوژی مارکسیستی و کمونیستی کارگری حرکت میکنند، از پرنسپ های مبارزاتی طبقاتی برخوردار نبوده و از سر اپورتونیسم سیاسی دست به هر اکت سیاسی زده و میخواهند در بهترین حالت بعنوان جناح چپ بورژوازی اکت خود را با مارک چپ به جامعه بفروشند. متد مبارزاتی جناح چپ جریانات پوپولیستی نسبت به مبارزات جنبش آزادی زن

مشخصاً در چند سال اخیر خود را بیش از پیش نمایان ساخته و عملاً بدون هرگونه پرنسپ و مرزبندی طبقاتی با جریانات راست همان اکت های پوپولیستی ای را که راست ترین جریانات در دستور کار خود قرار داده اند را به نقشه عمل خود بدل کرده است.

این استراتژی و پراتیک پوپولیستی نه از سر نادانی و خامی بلکه از سر ماهیت تاریخی تمامی جریانات اپورتونیستی در دل چپ در قرن گذشته بوده است. بهترین خدمتی که جناح چپ بورژوازی میتواند به جنبش آزادی زن در فضای ایران و جهان انجام دهد از دسته رفورم هایی کوچکی است که در چارچوب دموکراسی غربی در چارچوب تناسبات سرمایه داری شکل گرفته است و تاکنون هیچ دردی از زنان مورد تبعیض این جوامع در عمل دوا نکرده است.

برای چپ و مارکسیسم کارگری تنها راه مبارزه اینست که با حضور زنان و مردان کنار هم همزمان با مبارزه برای سلب قدرت از بورژوازی در تمامی سطوح، در گام بجلو های مبارزاتی به تضاد و تبعیضات طبقاتی و اجتماعی در تمامی بخش های جامعه خاتمه دهند. جنبش آزادی زن بخشی مهمی از طبقه کارگر جامعه است که در گام به جلوهای مبارزاتی باید کوشید تا از تبعیضات و نابرابری های طبقاتی و اجتماعی و جنسیتی رهایی یابد. در این مبارزه این فقط زنان نیستند که باید نماینده مبارزات جنبش آزادی زن باشند بلکه مسئله زن مسئله مردان و سایر بخش های جامعه ای است که میخواهند به تبعیضات و تضادهای طبقاتی با یک انقلاب کارگری پایان دهند.

در ایران امروز نیز چپ و کمونیست در دل جنبش آزادی زن نگاهی دقیق به نوع مبارزه علیه آپارتاید جنسی و دینی حاکم در جامعه تحت حکومت هار اسلامی دارد و خواهان به زیر کشیدن آن به رادیکال ترین شکل ممکن بدون هرگونه چرخش به راست و رفتار پوپولیستی بجای مبارزات رادیکال انقلابی متکی به طبقه کارگر اعم از زن و مرد است. با توجه به مرزبندی های جدی ایجاد شده پس از خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ بین چپ و راست و به تناسب آن مرزبندی سیاسی و پراتیک عرصه های مبارزاتی در ایران و هژمونی گرایش چپ و کمونیست رادیکال، جریانات مارکسیستی که با نگاهی پراگماتیک به مسائل و عرصه مبارزه داشته اند و در بزنگاه های تاریخی راهکاری دقیق به دور از هرگونه پوپولیسم رو به جامعه ارائه داده اند دست بالا پیدا خواهند کرد و خواهند توانست نقش موثری در رهبری یک انقلاب کارگری ایفا کنند.

ریشه تبعیضات و نابرابری علیه زنان و مردان در ایران فقط با یک انقلاب کارگری و کمونیستی است که میتواند خشکانده شود. وظیفه فعالین آگاه و پیشرو تشکل یابی در سطوح مختلف با پراتیک رادیکال و مرزبندی خود با جریانات اصلاح طلب سابق، پوپولیست، ناسیونالیست، ملی گرا و مذهبی و با افقی سوسیالیستی جهت پیشبرد مبارزات در سطح مراکز شغلی، کارگری، محلات و دانشگاه است.



۲۹ فوریه ۲۰۲۴

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!



ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

کارگران هفت تپه: این انتخابات، بازی به نفع جنایت و خون است

نه به انتخابات؛ انگشت در خون عزیزان خود نمی‌زنیم!

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران با بیش از دو دهه فعالیت در عرصه‌های آموزشی و فرهنگی و تلاش برای بهبود شرایط آموزش و پرورش، به ناکارآمدی دولت و مجلس در حل بحران‌های فرهنگی، اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی، سیاست داخلی و خارجی - که محصول بی‌تدبیری‌ها و سوء مدیریت خود حکومت است - اذعان دارد و بنا به دلایل زیر انتخابات نمایشی مجلس را تحریم می‌کند. و اطمینان دارد مردم با عقلانیت و مسئولیت اجتماعی خود، همگام با ما به این کنش تاثیرگذار خواهند پیوست.

(۱) وجود نهادهای انتصابی، غیر انتخابی و غیر پاسخگو با داشتن قدرت مطلق از صدر تا ذیل حکومت.

(۲) در انحصار قرار دادن کامل حوزه‌های اقتصاد، سیاست، فرهنگ، قضاوت و امنیت به زیر مجموعه‌های همان نهادهای انتصابی.

(۳) محدودیت تام در انتخاب شدن و انتخاب کردن بواسطه اعمال منویات همان نهادها از طریق نهاد انتصابی شورای نگهبان.

(۴) قرار گرفتن تمامی مجلس در برابر مردم، هر زمان که خواستار مطالبات حقوقی و قانونی خود بوده‌اند، به نفع حکومت؛ به طوری که مجلس‌نشینان در عوض این که وکیل‌الرأیا باشند، وکیل‌الحکومه شده‌اند.

(۵) عدم نظارت مجلس که وظیفه ذاتی اوست در بحران‌هایی همچون گرانی، بیکاری، غارت ثروت و منابع عمومی توسط رانت خواران وابسته به نهادهای انتصابی و نیز نهادهای اقتصادی دارای ثروت‌های کلان.

(۶) مردم مجلس را در زندگی واقعی خود احساس نمی‌کنند، چرا که تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در عرصه‌های مختلف در اختیار صاحبان قدرت غیر انتخابی است.

(۷) حذف قطعی اصل سی قانون اساسی و کالایی کردن آموزش به قصد انباشت سرمایه و ایجاد سود برای عوامل قدرت غیر پاسخگو.

(۸) به محاق بردن اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی که سازوکاری برای مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش بود و عدم رسیدگی به زندانی کردن، اخراج، تبعید و پرونده‌سازی علیه کنشگران در عرصه آموزش، کار و زنان که خواستار احیای این اصول هستند.

(۹) پیوستن اکثریت نمایندگان به باندهای کوه‌خواران، زمین‌خواران، وارد کنندگان و صادر کنندگان کالا بصورت قاچاق. و گمردن نزدیکان غیر متخصص خود در مشاغل کلیدی کشور.

(۱۰) عدم رسیدگی و نظارت بر امنیت شغلی، افزایش حقوق مطابق با تورم معلمان، کارگران، کارمندان شاغل و بازنشسته و نیز نمایندگان منتخب بازنشستگان در صندوق‌های بازنشستگی و عدم جلوگیری از غارت ثروت آنان توسط منتصبین نهادهای حکومتی در این صندوق‌ها.

(۱۱) تصویب قوانینی که منجر به فرودست‌سازی اکثریت مردم و سرمایه‌سازی بی‌رویه برای سرمایه‌داران وابسته به حکومت می‌شود و در سرکوب مردم هر زمان قدرت نیاز داشته باشد از هیچ خشونت‌تری دریغ نمی‌ورزند.

۱۲- در این شرایط جایی برای نهادهای دموکراتیکی مانند مجلس نمی‌ماند، الا این که از محتوا خالی شود تا «همه چیزمان مثل همه چیزمان»

این انتخابات مضحکه نیست، بازی به نفع جنایت و خون است. قبلا می‌گفتیم در مضحکه انتخابات شرکت نمی‌کنیم اما حالا ضمن اینکه می‌گوییم در انتخابات شرکت نمی‌کنیم می‌گوییم این دیگر حتی یک مضحکه نیست بلکه دست بردن در حوضچه ی خون است. هر کسی انگشت برای رای دادن رنگی کند عین این است که دارد به خون عزیزان ما انگشت می‌زند. هر کسی رای بدهد انگار در صحنه اعدام عزیزان ما شرکت میکند و خودش زیر پای اعدامی را خالی میکند.

شرکت کردن در این انتخابات از بیشرفی هم بدتر است و شرکت مستقیم در جنایت‌های حکومت است. حکومتی که فقر و بدبختی و کشتار و سرکوب و جنایت، اقدامات عادی و هر روزه اش شده است. حکومتی‌ها به درستی می‌گویند هر کسی رای ندهد یعنی با نظام مخالف است. ما رای نمی‌دهیم و می‌گوییم نه تنها با نظام مخالفیم بلکه می‌خواهیم سر به تن این نظام نباشد. می‌خواهیم تن به سرش هم نباشد. کلیت این نظام از بالا تا پایین دست در خون جوانان و عزیزان ما داشته و دارد و همه اینها در این فقر و کثافتی که در جامعه هست نقش دارند.

اگر چند فرد بیشرف و خودفروخته و دلفک دربار از میان هفت تپه به همراهی فعالان کارفرمایی و ماموران دولتی‌ها در اینجا و آنجا به جلسه ی انتخاباتی و تبلیغاتی رفته اند، آبروی نداشته خود را به نمایش گذاشته اند. آنها که برای این انتخابات، تبلیغ می‌کنند از خود آنها که کاندیدا شده اند بیشرف ترند. ما در این حمام خون و بازی جنایت شرکت نمی‌کنیم. نه تنها آنها تحریم می‌کنیم و رای نمی‌دهیم بلکه فعالان علیه آن هم صحبت می‌کنیم و از همه می‌خواهیم متحدانه علیه این بازی جنایتکارانه حکومتی که نامش انتخابات است شرکت نکنند و علیه آن باشند.

کارگران، هیچ منفعتی در ادامه و بقای این نظام استثمار و سرکوب و جنایت ندارند و به همین دلیل متحدانه علیه انتخابات تبلیغ می‌کنند. همکاران باشرف ما در هفت تپه وارد این بازی خونین نمی‌شوند و آنانکه در این میدان جنایت که نامش انتخابات برای تایید نظام است شرکت می‌کنند، چیزی از شرف و انسانیت نمی‌دانند.

جمعی از کارگران هفت تپه

چهارشنبه - ۹ اسفند ۱۴۰۲

رای نمی‌دهیم

بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در خصوص نمایش انتخابات

فرهنگیان، دانش‌آموزان، مردم ایران

در زمانه ای قرار گرفته‌ایم که «مردم» توسط حکومت، به ابزاری برای مشروعیت‌بخشی و تداوم قدرت مطلقه خود نیازمند سازوکاری است به نام «انتخابات» که از قضا به واسطه فلسفه سیاسی و بنای ایدئولوژیک خود هیچ اعتقادی به آن ندارد. «انتخابات» نه یک شیوه برای دخالت در تعیین سرنوشت و کرامت انسان، که روشی برای حذف از طریق مشارکت در این سازوکار غیر دموکراتیک می‌باشد.

ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی ...

گردد. همانطور که سال‌هاست همین اتفاق افتاده است.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

دهم اسفند ۱۴۰۲

بازگشت کارگران متحصن فولاد به کار

بالاخره مدیریت فولاد در صورت ظاهر عقب نشست و کارت مسدودی کارگران متحصن جلوی درب اصلی فولاد باز شد و به سر کار برگشتند. این اقدام بدنبال نشستی با این کارگران صورت گرفته است. در عین حال بخشهایی دیگر از کارگران گفته اند این بازگشت به کار حاصل اعتراض و اعتصاب کارگران بود و خواست و مشکل کارگران فولاد فقط بازگشت به کار همکاران تعلیقی نبود بلکه خواسته‌های دیگر مانند اجرای صحیح طبقه بندی مشاغل و همسان سازی حقوق ها و تعیین وضعیت همکاران شفقی و خلع ید از علی محمدی هم هست. این کارگران تاکید کردند در نشست فوق هیچ توافقی از جانب کارگران فولاد اعتبار ندارد و تصمیمات کارگران فولاد از طریق خرد جمعی ساخته میشود.

ادامه تحصن و راهپیمایی اعتراضی کارگران گروه ملی صنعتی فولاد

کارگران گروه ملی فولاد در اعتراض به تعلیق از کار و ممنوع الوردی شماری از همکاران معترض و اجرای ناقص طرح طبقه بندی مشاغل، همچنان در اعتصاب بسر می‌برند. روز دوشنبه هفتم اسفندماه، کارگران گروه ملی از ورود علی محمدی مدیرعامل فاسد به محوطه شرکت جلوگیری کردند. رفع تعلیق از کار و ممنوعیت ورود کارگران به محل کار خود، اصلاح آئینم های طرح طبقه بندی، همسان سازی دستمزدها با شرکت های فولادی مشابه، قراردادی شدن نیروهای پیمانکاری و استعفای مدیر عامل از خواسته های اصلی کارگران گروه ملی فولاد است.

اعتصاب کارگران نیروهای شرکت پتروشیمی نگین مکران

کارگران نیروهای شرکت «پتروشیمی نگین مکران» در اعتراض به عدم پرداخت معوقات حقوق و دستمزد خود دست به اعتصاب زدند. پتروشیمی نگین مکران چابهار «شرکت سازه پیمانکاری»، «شرکت آوای جهان بین» «سه ماه هست که به کارگران حقوق ندادند.

تجمع اعتراضی کارگران ارکان ثالث مجتمع گاز پارس جنوبی

روز شنبه پنجم اسفند ماه کارگران ارکان ثالث و پشتیبانی شرکت‌های پیمانکاری، پالایشگاه‌های پنجم، ششم و نهم مجتمع گاز پارس جنوبی تجمع اعتراضی برپا کردند

تجمع اعتراضی کارگران شرکت نفت فلات قاره، منطقه سیری

کارکنان منطقه عملیاتی نفت و گاز سیری شرکت نفت فلات قاره در تاریخ ۶ اسفندماه بار دیگر نارضایتی خود را از وضعیت حقوق و دستمزد به تصویر کشیدند.

اعتصاب کارگران ماشین‌سازی تبریز در اعتراض به عدم پرداخت معوقات

کارگران شرکت ماشین‌سازی تبریز در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود دست به اعتصاب زدند.

بنابر گزارش‌های منتشر شده، مسئولین کارخانه ماشین‌سازی با هدف ممانعت از برگزاری تجمعات اعتراضی، روزهای چهارشنبه و پنجشنبه را تعطیل اعلام کرده‌اند.

تجمع اعتراضی پرستاران و کادر درمان شیراز

پرستاران و کادر درمان شیراز در اعتراض به تعرفه های پایین و غیر واقعی و اضافه کار اجباری پرستاری و وعده های بی عمل و تو خالی مسئولان دست به تجمع زدند. این دومین تجمع اعتراضی پرستاران کادر درمان شیراز است

تجمع سراسری بازنشستگان مخابرات کشور

روز دوشنبه ۷ اسفند جمع‌هایی از بازنشستگان مخابرات در شهرستان‌های ارومیه، تهران، سنندج، اهواز، اراک، مریوان، رشت، بندرعباس، اردبیل، خرم‌آباد، قروه، تبریز، اصفهان و ... در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان از جمله اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی، مطابق تجمعات هر هفته‌ی دوشنبه‌های اعتراضی، مجدداً مقابل شرکت مخابرات دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی مشترک بازنشستگان کشوری و تأمین اجتماعی در اهواز

روز سه‌شنبه ۸ اسفند ۱۴۰۲، جمع‌هایی از بازنشستگان تأمین اجتماعی، کشوری و فرهنگیان بازنشسته اهواز مجدداً و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان مقابل ساختمان استانداری خوزستان دست به تجمع زدند.

راهپیمایی و تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی شوش

چهارشنبه ۹ اسفند بازنشستگان در اعتراض به فقر و نداری، در اعتراض به پایین بودن و نامساعد بودن دستمزدها، در اعتراض به فساد، دزدی و غارت در اعتراض به تبعیض و نابرابری ها راهپیمایی و تجمع اعتراضی نمودند

تجمع اعتراضی خانواده‌های خدمه کشتی غرق شده سانچی روبروی امامزاده صالح در

شمال تهران

خانواده‌های می‌گویند که عزیزانشان از «کشتی خارج شده‌اند و هم اکنون در اختیار اطلاعات سپاه هستند». «این خانواده‌ها قبلاً هم گفته بودند که در تماس‌های مشکوکی به آنها گفته شده بود که شماری از این خدمه زنده هستند. نفتکش سانچی در ۱۶ دی ماه ۹۶ در برخورد با یک کشتی چینی در نزدیکی سواحل شانگهای چین آتش گرفت و پس از ۹ روز سوختن غرق شد. یک هفته بعد از تصادف و آتش‌سوزی، به دروغ در خبرها گفتند، همه‌ی ۳۲ خدمه کشتی سانچی در آتش کشتی کشته شده اند این یک دروغ بزرگ بود و جسد ۲۹ نفر هرگز پیدا نشد.

تجمع اعتراضی خانواده های بیماران SMA مقابل وزارت بهداشت

سه شنبه ۸ اسفند خانواده‌های بیماران SMA در هوای بسیار سرد و زیر بارش برف سنگین مقابل وزارت بهداشت تجمع اعتراضی برگزار کردند تا بتوانند مسئولان را متقاعد کنند که برای بقاء عزیزان و جگرگوشه‌های خود دارو وارد کشور کنند اما حکومت نه گوشی برای شنیدن دارد و نه چشمی برای دیدن.

مرگ یک کارگر ساختمانی در کیش

افشین توتازهی مینگل، کارگر ساختمانی که برای کار از محل زندگی‌اش در روستای ملک‌آباد بخش کورین زاهدان به کیش رفته بود، در یک حادثه کاری جان خود را از دست داد. او که تنها ۱۸ سال داشت، حین کار در جزیره کیش دچار حادثه شد. افشین برای کارگری به کیش رفته بود و صبح روز شنبه پنجم اسفندماه، در ساختمان محل کارش در حال کار بوده که با سقوط بالابر مصالح ساختمانی بر روی سرش، از ناحیه سر به شدت مجروح شد و جان خود را از دست داد.

تیراندازی و زخمی کردن دسته جمعی کولبران

شامگاه روز شنبه ۵ اسفندماه ۱۴۰۲، بیش از ۱۰ کولبر بر اثر تیراندازی مستقیم نیروهای هنگ مرزی در مرز نوسود زخمی شدند. تاکنون از

عمومی و انقلاب تهران محاکمه و به اعدام محکوم شد. نهایتاً در دی ماه همان سال، پس از نقض حکم اعدام در دیوان عالی کشور، پرونده وی جهت رسیدگی مجدد به شعبه هم عرض ارجاع داده شد.

بیانیه مشترک جمعی از فعالین جنبش داخل کشور علیه مضحکه انتخابات در جمهوری اسلامی؛ از دریای خون نمیگذریم و بار دیگر "نه" خود را در تداوم انقلاب زن زندگی آزادی، قاطعانه اعلام میکنیم!

رژیم اسلامی در صدد برگزاری یک مضحکه انتخاباتی برای مجلسی است که در متاخرترین جنایت هولناک، حکم اعدام [قتل عمد حکومتی] معترضین در انقلاب زن زندگی آزادی را تصویب کرده است.

همه ما میدانیم این مضحکه انتخاباتی، هیچ مشروعیت و ارزشی برای اکثریت مردم به تنگ آمده از بی حقوقی و استثمار و فقر و فلاکت و سرکوب ندارد. با این حال حکومت برای داغ کردن تنور انتخابات، برای جلب توجه، و پر واضح است در برابر اعتراضات موجود که در ادامه انقلاب زن زندگی آزادی به اشکال مختلف در جریان است، همچون دوره های قبل، حتی اقدام به زیر پا گذاشتن ارزشها و ارکان خود کرده و در برابر "حجاب اجباری" که عامل قتل حکومتی زنان و نوجوانانی چون مهساژینا امینی و آرمیتا گراوند است، در این روزها انعطاف بخرج میدهد. از طرفی از جیب و سفره خالی مردم هزینه های نجومی میکند تا مشتی مفت خور دیگر را بر صندلی قدرت بنشانند تا یک دور دیگر برای بدبختی و فلاکت مردم، قانون تصویب کنند.

از نظر ما همه مناسبات این حکومت از جمله برگزاری مضحکه انتخاباتی اش کاملاً محکوم است و هیچ تلاشی از جانب حکومت نمی تواند ذره ای تاثیر در جلب توجه عموم مردم و کشاندن جمعیتی پای صندوق های رای داشته باشد؛ این تلاشها تنها در جهت خود اثباتی حکومت در برابر مردم بپاخاسته علیه وضع موجود است؛ مردمی که جانپان نشسته در مجلس اسلامی را هرگز نماینده خود نمی دانند، بلکه نماینده دستگاههای سرکوب و نماینده رژیم می دانند که مردم را میکشد و زبانش هم دراز است. این مفت خوران نه تنها نماینده ما زنان و مردم ایران نیستند بلکه باید به جرم صدور احکام جنایت علیه بشریت، و همدستی در جنایات حکومتی، پای میز محاکمه در دادگاههای عادلانه و بین المللی با نمایندگان واقعی مردم از زنان، دانشجویان، دانش آموزان، کارگران، معلمان، بازنشستگان، زندانیان سیاسی و خانواده های دادخواه، محاکمه شوند.

ما جمعی از فعالین جنبش نوین رهایی زن، معلمان پیشرو و زندانیان سیاسی سابق، قطعاً بر این باوریم که فریاد جامعه ایران همان فریاد "رای ما سرنگونی" است که سال ۱۴۰۰ مادران آبان در میدان آزادی تهران سر دادند؛ ما معتقدیم فریاد جامعه گفقر فساد گرونی میریم تا سرنگونی" است که سال ۱۴۰۱ در کف خیابانهای سراسر کشور سر داده شد. ما معتقدیم رای جامعه به تنگ آمده ایران، "انقلاب زن زندگی آزادی" است که ادامه آبان ۹۸، ادامه اعتراضات و اعتصابات قدرتمند کارگران و معلمان و بازنشستگان و دانشجویان برای معیشت و منزلت و عدالت اجتماعی و علیه ظلم و ستم، و نتیجه یک انقلاب زنانه در لایه های عمیق جامعه است که سالهاست زنان در صف مقدم آن علیه ارکان و بنیان های زن ستیز حکومت آپارتاید جنسی و جنسیتی، بوده و هستند.

بنابراین بار دیگر "نه" قاطع خود را به این مضحکه انتخاباتی و کلیت نظام حاکم اعلام کرده و و تاکید داریم جمهوری اسلامی با هیچ تلاشی نمی تواند در جدال با جامعه ایران پیروز شود. این قدرت همبستگی و اعتراض اکثریت مردم ایران و انقلاب زن زندگی آزادی است که پیروز این جنگ نابرابر خواهد بود. اسامی امضا کنندگان به ترتیب حروف الفبا:

ستون اخبار کارگری و حرکت های اعتراضی ...

هویت این کولبران و جزئیات حمله اطلاع دقیقی در دست نمیباشد.

انسان زدایی از کارگران مهاجر

مقام های قضایی و مسوولان شهرداری تهران، در تلاش برای بی اهمیت جلوه دادن مرگ پاکبان جوان، تا دو هفته پس از وقوع این جنایت کوشیدند هویت مقتول و ابعاد حادثه را مخفی نگه دارند، اتفاقی که نتیجه نژادپرستی نهادینه شده است. چون اساساً چنان از افغانستانی ها انسان زدایی شده که به راحتی می توان آنها را به قتل رساند بدون اینکه هزینه ای برای بانیان آن به دنبال داشته باشد یا آنها نیازی به پاسخگویی ببینند. الیاس محمدی روز ۲۰ بهمن به دست فردی با بیرحمی از پل عابر پیاده به بیرون پرتاب و به قتل رسید. براساس صحبت های یکی از افرادی که الیاس محمدی، پاکبان کشته شده را می شناخت، می گفت: «او در یک میوه فروشی به نام ارزان سرای دهقان، روبروی منزل ما در خیابان سازمان برنامه شمالی مشغول به کار بود. جوانی بسیار مودب و سربه زیر و مظلوم بود. شبها هم برای شهرداری کار می کرد و با پول آن، برای برادرزاده هایش که دوقلو هستند، کادو و لباس می خرید. عاشق دو برادرزاده اش بود. برادرش هم قبلاً در همین میوه فروشی کار می کرد و حالا در بلوار کاشانی زندگی می کند. اعلامیه ترحم الیاس، تنها یک روز روی مغازه میوه فروشی ماند و بعد از شهرداری تهران آمدند آن را کردند و به مالک میوه فروشی گفتند حق ندارد درباره این جوان با کسی صحبت کند.

انتقال شریفه محمدی به زندان لاکان رشت

روز ششم اسفند ماه شریفه محمدی بعد از هشتاد و سه روز ممنوع ملاقات بودن و تحمل بازجویی و شکنجه از زندان سنندج به زندان لاکان رشت منتقل شد.

رپوده شدن پدر محسن شکاری پس از خروج از منزل توسط ماموران رژیم

پدر محسن شکاری روز سه شنبه ۸ اسفند ساعت هفت صبح، پس از خروج از منزل توسط چند لباس شخصی بازداشت می شود. تاکنون از علت بازداشت و وضعیت کنونی وی تا لحظه ی تنظیم این خبر اطلاعی در دست نیست و خانواده ی وی به شدت نگران هستند. محسن شکاری یکی از بازداشت شدگان خیزش انقلابی ۱۴۰۱ ایران بود که در هفده آذر ۱۴۰۱، پس از ۷۵ روز بازداشت، توسط جانپان رژیم اسلامی اعدام شد. اعدام او موجب برانگیخته شدن خشم عمومی در ایران و جهان شد.

سامان یاسین : حکم اعدام را به ۱۸ ماه بلاتکلیفی در زندان ترجیح می دهم

سامانیاسین با نگارش نامه ای خطاب به رئیس قوه قضاییه اعلام کرده است که از ۱۸ ماه بلاتکلیفی به ستوه آمده و حتی محکومیت به اعدام را به این وضعیت ترجیح می دهد. سامان صیدی در این نامه ضمن اشاره به اینکه وی با مشکلات روحی و جسمی دست و پنجه نرم میکند و مسئولان زندان از اعزام او به مراکز درمانی خودداری می کنند، نوشته است: لطفاً به من بگویید مرتکب چه جرمی شده ام؟ اگر مجرم پس حبس بدهید، اگر مجرم نیستم منع تعقیب بزنید. من تحمل زندان و بلاتکلیفی به جرمی که نه شما می دانید و نه من را ندارم. سامان صیدی (یاسین) در تاریخ دهم مهرماه ۱۴۰۱، در جریان اعتراضات سراسری توسط نیروهای امنیتی در تهران بازداشت شد. وی در تاریخ هفتم آبان ماه سال گذشته، از بابت اتهاماتی چون "محرابه، اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم و اقدام علیه امنیت ملی" در دادگاه

ستون اخبار کارگری

و حرکت‌های اعتراضی ...

رها احمدی - مدافع حقوق زنان و کودکان

کوکب بدایغی پگاه - فعال صنفی معلمان

نصرت بهشتی - معلم بازنشسته، فعال حوزه زنان و کارگری

فرشته دیدنی - فعال حقوق زنان

سارا سیاهپور - فعال صنفی معلمان

حدیث صبوری - فعال حقوق زنان، زندانی سیاسی سابق

نرگس ظریفیان - فعال حقوق زنان

منیره عربشاهی - زندانی سیاسی سابق و فعال حقوق زنان

رادا مردانی - فعال جنبش معلمان

خدیجه مهدی پور - فعال سیاسی

پوران ناظمی - فعال حقوق زنان

آفریدند، با رقص در خیابان پایه‌های آپارتمان جنسی را لرزاندند و در شهرها و محلات با حجاب اسلامی آتش افروختند و هلهله کردند یکبار دیگر جمهوری اسلامی را با کابوس اعتراض و فریاد رسا علیه نابرابری و زن ستیزی و ستم جنسیتی روبرو کنیم.

در ۸ مارس امسال با الهام از آن روزها و غلیان آن خشم فروخته و آگاهی کسب شده از آن خیزش، پرچم ۴۴ سال مبارزه پنهان و آشکار اما مداوم علیه بیحقوقی و فرودستی را بر هر شکل ممکن دردست بگیریم و اجازه ندهیم این روز در سکوت حقنه شده از سوی جمهوری اسلامی و ارگانهای سرکوب این حکومت به پایان برسد. فرصت این شادی و پیروزی را به حکومت و اوباشان سرکوبگرش ندهیم.

۲۹ فوریه ۲۰۲۴

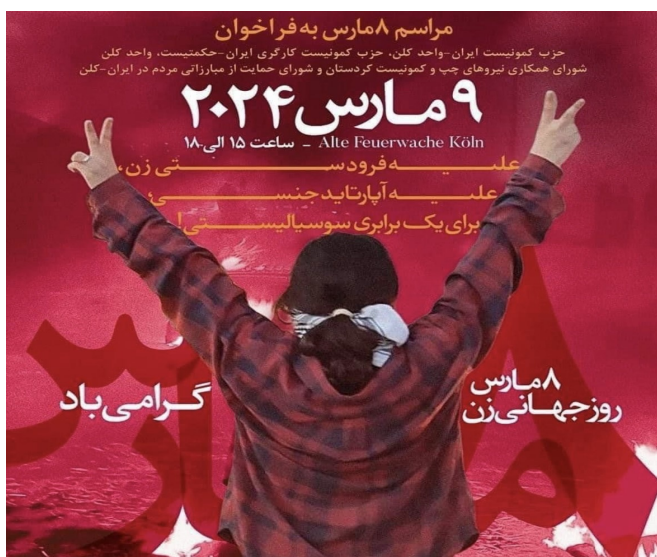
در ۸ مارس یکبار دیگر علیه زن ستیزی!

ملکه عزتی

خاکستر را هرگز مه‌بار نکرد. ماههای پس از سرکوب خیزش شاهد ایستادگی زنان در مقابل نیروهای سرکوب و اعتراضات معلمان بازنشستگان و کارگران بودیم و این اعتراضات تا امروز هم ادامه دارد. عاملان سرکوب و حافظان سرمایه برای حفظ وضع موجود هر کسی را که به نظرشان خطری برای حفظ این نظام سرکوبگر بود به اسارت گرفتند. از روزنامه نگار و استاد دانشگاه و دانشجو تا کارگر و زن خواهان برابری را به زندان انداختند تا به خیال خام خود "عائله" را برای چند صباحی هم که شده خوابانده باشند.

در این یکسال و اندی پس از خیزش ۱۴۰۱ به هر ترفندی متوسل شدند تا وضعیت جامعه را نرمال نشان دهند. از چند هفته پیش هم به مناسبت سیرک انتخابات "پرستوهایی" اجیر شده خود را بدون حجاب در رژه ای مضحک بسیج کرده اند تا مردم را به رای گیری و شرکت در انتخابات تشویق کنند. این نمایش چندش آور این ترفند کثیف اولین بار نیست که به دست ج.ا سازمان داده میشود. این سیرک مشمژ کننده که گویا میخواهد بگوید بدون حجاب هم رای دادن و اعلام وفاداری به نظام قبول است، کوچکترین ربطی به خواست اختیار و انتخاب زنان برای یک زندگی عاری از ستم و نابرابری ندارد. جواب این نمایش مضحک و چندش آور را در ۸ مارس باید به حکومت داد.

در ۸ مارس با تاکید بر حقوق جهانشمول زنان در سراسر جهان و در همه عرصه به هر شکل ممکن علیه این نوع نمایشات و ادعاهای دروغین حقوق زن در جمهوری اسلامی، پرچم برابری واقعی زنان و مردان را بدون هر اما و اگر و تعلق زبانی و جغرافیایی و قومی در دست بگیریم. روز جهانی زن را سوسیالیست ها و فعالین کمونیست جنبش زنان به جهان نابرابر تحمیل کردند. گرامی داشت این روز و ادامه تلاش برای برآورده کردن خواسته های مبارزاتی زنان در همه عرصه ها از جنبش کارگری و مبارزات زنان در یک قرن پیش تا کنفرانس بین المللی زنان به رهبری کلارا زتکین در کپنهاگ در سال ۱۹۱۰ و ثبت ۸ مارس به نام روز جهانی زن امروز بیش از هر زمانی موضوعیت و اهمیت دارد. از یاد نبریم مرضیه طاهری کارگر ریسندگی را که بدلیل گیر کردن مقنعه در ماشین ریسندگی جان خود را از دست داد! از یاد نبریم ازدواج های اجباری را، فریاد باید زد قتل های ناموسی را، یاد کنیم از رومینا و مونا و هزاران دیگری که جان عزیزشان گرفته شد چون تن به مردسالاری و فرهنگ منحن مذهبی ندادند. یاد کنیم از هزاران زن دیگری که قربانیان خاموش بربریس سرمایه و مذهب شدند و نامشان جایی برده نشد. با یاد و خاطره مردان و زنان شجاع و سرهای نترسی که در خیزش انقلابی شهرپور حماسه



زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

ستون آخر،

در ۸ مارس یکبار دیگر علیه زن

ستیزی!

ملکه عزتی

چند روز بیشتر به ۸ مارس روز جهانی زن باقی نمانده. برای همه روزها و برای روز ۸ مارس تاریخ شرمنده زنانی خواهد بود که خلاف میل و اراده خود به شیوه ای از زندگی تن دادند که تبلور عریان بیحقوقی، تحقیر و فرودستی بوده.

آنچه زنان در دنیا و خصوصا در خاورمیانه در سایه مذهب و نظم سرمایه تجربه کردند در یک نوشته نمیگنجد. اقیانوسی از بیحقوقی و نابرابری و تحقیر به صرف زن بودن مابین زنان و سنتهای پوسیده حاکم بر این جوامع وجود دارد که جز با محو کامل این قوانین و این بربریسیم حاکم با چیز دیگری پر نخواهد شد.

سرنوشتی محتوم که دو راه در مقابل زنان قرار میدهد، تسلیم به خواست و اراده مردسالارانه یا مرگ در قبال عصیان و سربلندی از قوانین و سنتهای از قبل تعیین شده.

زنان افغانستان در قرن ۲۰ در میادین ورزشی توسط طالبان سربریده شدند، در جمهوری اسلامی کاردآجین شدند و سرهای بریده شده شان در خیابانها به نمایش درآمد و توسط داعش در بازار بردگان در قرن ۲۱ با پول و طلا معاوضه و مبادله شدند. در نیجریه و در شیلی و در ایتالیا مورد خشونت و تجاوز قرار گرفتند اما هنوز دست از مبارزه برای یک زندگی شایسته انسان امروز نکشیدند. اخبار خودسوزی ها و خودکشی های زنان دیگر کسی را متعجب



نمیکنند. راهی برای فرار از زنده بودنی که با سلب اختیار و اراده همراه است. در خیزش انقلابی شهریور در پی فاجعه قتل دولتی مهسا امینی، زنان میدان و مفری برای اعتراض به همه قوانین نوشته و نانوشته

ضد زن پیدا کردند و در اولین اقدام حجاب این نماد بیحقوقی و فرودستی زن و بیرق اسلام سیاسی در منطقه را به آتش کشیدند. اینبار آتش را نه بر جان خود که بر نماد ستم و تحقیر خود زدند. زنان بجان آمده از ستم و سرکوب ۴۰ ساله اینبار علنی و رودرو علیه حاکمیتی بغایت ارتجاعی و ضد زن پرچم نه به کلیت نظام را در دست گرفتند و نقش برجسته ای در رهبری اعتراضات خیابانی ایفا کردند. زنانی که تا دیروز تنها با خواست بچه داری و فرزند آوری و رعایت حجاب جهت حفظ سلامت اخلاقی مردان مورد خطاب قرار میگرفتند در شهریور ۱۴۰۱ صفوف هزاران نفره از مردم معترض را هدایت و رهبری کردند و خواست آزادی و برابری را در مقابل جامعه قرار دادند. فریاد دست مذهب از زندگی ما کوتاه، نه به فقر و فلاکت، نه به تحقیر و بیحرمتی و نه به آپارتاید جنسی ۴۴ ساله در طی آن روزهای شورانگیز به سراسر جهان رسید و موجی از حمایت و همراهی و همبستگی را با این خیزش ایجاد کرد.

زنان پا به عرصه مبارزه ای گذاشتند که اوباش ضد زن به خواب هم نمیدیدند. جمهوری اسلامی با اعمال خشونت و ایجاد رعب و وحشتی بیسابقه در تلاش آخر برای ادامه بقای حکومتش توانست حضور علنی در خیابان و دانشگاه و مدرسه و محله را خاتمه دهد اما آتش زیر

صفحه ۱۵

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیت کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی در اینترنت دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

آدرسهای تماس با حزب کمونیت کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر اجرایی

همایون گدازگر

Homayon_1954@yahoo.de

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

saeed_arman2002@yahoo.co.uk



نشریه حزب کمونیت کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

هیئت تحریریه: سیاوش دانشور، ملکه عزتی، پروین کابلی، همایون گدازگر، ناصر مرادی

اگر برای کمونیت مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. کمونیت هفتگی تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مهلت دریافت مطلب برای انتشار تا عصر روز چهارشنبه و حداکثر تا ظهر روز پنجشنبه است.

هفتگی کمونیت

حزب کمونیت کارگری ایران - حکمتیست

@hekmatist

Hekmatist.org

@hekmatist1917

@hekmatist pary

partow TV

@patowtv

Thepartow TV

@PartowTV

@PartowTV

حزب حکمتیست در صفحات اجتماعی

زنده باد سوسیالیسم!